

بسم الله الرحمن الرحيم
آموزش عالی رجاء
واحد قزوین



همراه با سی دی حاوی فیلم مستند شیطان پرستی و فایل PDF

محقق: علیرضا شریفی علیایی

دانشجوی رشته کاردانی مسابداري

استاد راهنما: جناب آقای مرتضی فاضل نیارکی

زمستان ۱۳۹۰

مقدمه ای در مورد شیطان و شیطان پرستی

شیطان پرستی، به عنوان یکی از این مکاتب نوپدید دینی است که بحث اصلی این گفت و گو نیز می باشد. شیطان کیست و یا چیست؟ از انسان چه می خواهد؟ انسان از پرستش شیطان چه هدفی را دنبال می کند؟

شیطان دشمن سرسخت انسان که از خلقت حضرت آدم تا به امروز پی در پی با او به مخالفت پرداخته، اهمیت شناخت و نحوه مواجهه با او از موضوعات مهم قرآنی است. در قرآن درباره شیطان آمده است: شیطان موجودی از گروه جنیان است (کف ۵۰)، چون جنیان از جنس آتش بی دود هستند بنابراین شیطان نیز از آتش است (حجر ۲۷، الرحمن ۱۵)، او در مقابل رب دست به طغیان زد (مریم ۴۴)، و به او کفر ورزید (اسراء ۲۷)، علت کفر و عصیان او در مقابل خدا به دلیل تمرد از سجده به پای انسان بود (بقره ۳۴)، چون انسان به اسماء الهی آگاهی یافته بود و شیطان از این علم بی بهره بود (بقره ۲۱)، او جنس خود را که از آتش بود برتر از خاک که جنس آدم است می داند و بر این اساس کینه و دشمنی انسان را سخت به دل گرفته است (اعراف ۲۲، یوسف ۵، اسراء ۵۳، فاطر ۶، زخرف ۶۲)، و با سرکشی که به درگاه رب نموده است (نساء ۱۱۷) او را وادار به دخالت در کار خدا بدون داشتن علم و آگاهی کند (حج ۳)، دشمنی خود را با آدمیان به رخ آنها بکشد (زخرف ۶۲)، آنها را وادار به طغیان و غوا کند (اعراف ۱۷۵)، و حتی با داشتن علم الهی نیز ممکن است این طغیان و غوا صورت پذیرد او سعی می کند به وسیله انسان خلقت خدا را دگرگون کند (نساء ۱۱۹) و سعی می کند که حزیش را بر جهان مسلط کند ولی خداوند حزب او را دچار خسران می کند (مجادله ۱۹)، و نهایتاً سعی می کند که با مسخ کردن انسان و تصرف او، عذاب خدا را برا او جاری سازد (ص ۴۱)، و او را به سوی عذاب سعیر سوق دهد (لقمان ۲۱)، در دلش دائماً حزن و اندوه جاری سازد (مجادله ۱۰)، آنها را از آخرت بی اعتقاد گرداند و در قیامت آنها را در کنار خود محشور ببیند (مریم ۶۶) (۶۸).

شیطان در تمام داستان های کهن و در تمامی ادیان وجود دارد، شیطان آمده است تا انسان خلیفه الله نباشد. شیطان بسان تاریکی مطلق در مقابل روشنائی و نور رحمت الهی است. هر چند در ابتدا بشر سعی داشت تا از شیطان دوری کند و از شر او در امان باشد اما بشر امروزی در پی فنا شدن در نیروی شیطان است.

*معنویت گم شده بشر در قرن اخیر است، علت بازگشت انسان به معنویت چیست؟

هرجا که سر زدم همه در مرز بودن است کو مرز تازه ای که فراتر ز بودن است .

انسان معاصر، به دنبال گم شده خود در اقلیم و مملکت روح است. در فضای زندگی مدرن همه دستاوردهای زندگی بشری در اعلی جایگاه خود محقق شده است، دوران مدرنیته، دوران سیطره، کمیت است. دورانی است که در فضا و موقعیت بشری، فقدان امکانات و دستاوردهای علمی بر بشر

تحمیل نمی‌شود بلکه در فضای مدرن و موقعیت جاری امروز، نوعی تفرعن را بوجود آورده که این تفرعن موجب شده تا به تعبیر کتاب مقدس او در برج بابل (در دوران مدرن) سر بر آسمان به‌ساید و در برابر خداوند سرکشی کند. سرکشی انسان در دوران مدرن و در فضای زندگی امروز، از جانب دیگری فقدان معنویت را هم به بار آورده است، یعنی انسان معاصر، انسان گسسته از آسمان هست اما در عین حال نمی‌تواند به فطرت خود پشت کند. انسان امروز، در فضای زندگی مدرن، خود را ارضا شده نمی‌بیند، هنوز هم نقاط پنهانی هست که مدرنیته و پست مدرنیته به آنها پاسخ نداده و هنوز هم فضاهای تاریکی وجود دارد که تکنولوژی نتوانسته پاسخ روشنی به آنها بدهد. این اقلیم، اقلیم گم شده روح است. اگر دوران قرن بیستم را به تعبیر نیچه، دورانی بدانیم که خدا مرده است و در عین حال دیوانه‌نیچه با شمشیر آخته در شهر، فریاد می‌زند: که خدا را کشته‌ام.

امروزه، مکاتب نوپدید دینی قرار است انتقام خداوند را بگیرند. اگر دوران قرن بیستم، دوران زیر رادیکال بردن خدا و کشتن او بود، قرن بیست و یکم، قرن انتقام الهی است، این انتقام الهی، در فضای ادیان کلاسیک وجود ندارد، خداوند در این ادیان رحمت خود را یک‌سره بر زندگی انسان گسترانیده و این رحمت تداوم داشته و خواهد داشت.

مکاتب نوپدید دینی، که به دنبال معنویاتی فراتر از معنویت ادیان کلاسیک هستند، معنویاتی را دنبال می‌کنند، که آموزه‌های فقهی ندارد، شریعتی به معنای اخص ندارد، دستاوردهای خاص حرام و حلال و باید و نباید ندارد، با این تفاسیر پیروان این مکاتب می‌گویند، عصر انتقام الهی فرا رسیده و آن خداوندی را که شما در گذشته کشتید امروز در قرن بیست و یکم می‌خواهد انتقام بگیرد. در نتیجه مکاتب نوپدید دینی بوجود می‌آیند.

مکاتب نوپدید دینی از معنویت می‌گویند، اما معنویت آنها، ملغمه‌ای است از راست و دروغ، بین عالم فیزیک و متافیزیک است و سعی می‌کند بین این دو ارتباط برقرار کند. در این بین معنویت نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند.

* انسان، به فطرت خود وابسته است و در پی تمنای این فطرت به معنویت‌های نوگرا گرایش می‌یابد، این معنویت‌ها به دنبال چه هستند؟ چه چیزی را می‌پرستند و چه آیین‌هایی دارند؟ مباحثی چون دین‌های نوظهور، فرقه‌های جدید و مکاتب نوپدید دینی، اولین بار در علوم اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شدند. این ادیان سعی می‌کردند به برخی پرسش‌های غایی بشر و پرسش‌های وجودشناسی انسان پاسخ دهند.

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود، به کجا می‌روم، آخر نمایی وطنم به پرسش‌های این شعر در ادیان الهی پاسخ‌های روشنی داده شده است، اما برخی از زمینه‌ها باعث شد که برخی از ادیان کلاسیک به پس‌زمینه زندگی انسان مدرن رانده شوند و توانایی پاسخ‌دادن به سؤالات امروزی بشر را نداشته باشند. زمینه را برای مکاتب نوپدید دینی فراهم کرد تا به پرسش‌های غایی انسان پاسخ دهند.

پرسش‌هایی که می‌کشید، خدا را در درون انسان‌ها حاضر کند و در پاسخ‌های خود تلاش می‌کرد، فضای زندگی بشر امروز را به نوعی آرامش زودگذر ارتباط دهد.

مکاتب نوپدید دینی در پی پاسخ‌های غایی انسان بوده و هستند، اما این پاسخ با مسیر ادیان الهی و یا ادیان کلاسیک یکی نبود، بلکه راه‌مفاوتی را در پیش گرفتند. ادیان کلاسیک به واسطه برخی مسائل

نتوانستند خود را به روز کنند و یا به روز شدنشان با مسائل زندگی امروز هماهنگ نشد و انسان امروزی نتوانست، به سادگی از یهودیت، مسیحیت، بودایسم و... برداشت‌های دوران مدرن خود را استیفا کند، یک نقبی به عالم معنا زد، اما با روشی جدید که در مکاتب نوپدید دینی وجود داشت. مکاتب نوپدید دینی پاسخ وجود شناسانه به پرسش‌های بشری می‌دهد، اما به این پرسش‌ها در ادیان کلاسیک پرداخته نشده است.

هرچه پیش می‌رویم، ادیان نوظهور، حضورشان را در زندگی امروز، بیشتر تحمیل می‌کنند؛ اولاً به دلیل اینکه شریعت خاصی ندارند، ثانیاً بخش خاصی از جامعه را هدف قرار نمی‌دهند و ادعای جهانی دارند. ثالثاً آیین‌ها و آموزه‌هایشان بسیار ساده و با زبان امروزی و در دسترس است، رابعاً مدعی‌اند، راهی که پیامبران کلاسیک نتوانستند فراهم کنند، در دوران مدرن با پیامبران جدید پیش‌روی انسان قرار دارد.

در دایره‌المعارف ادیان جدید که به تازگی در انگلستان منتشر شده، بیش از ۲۵۰۰ دین و مرام جدید که هر کدام متدینین و مؤمنین خاص خود را دارند شناسایی شده است. برخی از این ادیان و مکاتب بسیار فعال هستند مانند، «کلیسای شیطان»، «شاهدان یهوه»، «کلیسای علم‌شناسی»، «فرزندان خداوند»، «اکتکار» (دین نور و صورت)، «مورمون‌ها» و «جامعه بین‌المللی وجدان کریشنا»، که فضای عینی و تبلیغات رسمی را در سطح جهان دارند.

برخی دیگر هم مانند، زیرمجموعه ذن و بودیسم، که در ایران تحت عنوان اوشو تبلیغ می‌شوند وجود دارند. دسته‌گیری از این ادیان هم بیشتر مجازی‌اند و در اینترنت فعالیت می‌کنند و در فضاهای عینی حضور ندارند.

* شیطان‌پرستی، به عنوان یکی از این مکاتب نوپدید دینی است که بحث اصلی این گفت‌وگو نیز می‌باشد. شیطان کیست و یا چیست؟ از انسان چه می‌خواهد؟ انسان از پرستش شیطان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

هر ساعت از نو، قبله‌ای با بت‌پرستی می‌رسد توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را در طول تاریخ بشریت، شیطان یک مفهوم و نماد وسوسه‌انسانی‌ست، کسی و یا چیزی است که در فضای زندگی بشر، او را به سوی دوزخ، افول، زندگی همراه با نکبت فرا می‌خواند. شیطان، در برابر قوانین الهی می‌ایستد، قوانین جامعه را به سخره می‌گیرد، نوعی زندگی سرشار از نفرت، تهی‌واری و همراه با نوعی خشم و نسبت به اخلاقیات را به همراه دارد.

شیطان در ادبیات عرفانی ما، شخصیتی است که مظهر وسوسه‌های عمیق انسانی است. در ادبیات ادیان، جایگاه و پایگاه او ضد مسیح است و در مرتبه بالاتر ضد خداوند است. اما در هستی، به معنویات و اخلاقیات معنا می‌دهد، البته این معنا دادن به معنی داور نیست.

اگر شیطان نبود که انسان را وسوسه کند، اگر فضای زندگی انسان یک‌سره در بهشت بود و هبوطی رخ نمی‌داد، معنای زندگی برای بشر دست‌نیافتنی نبود، اگر امکان وسوسه نبود، سره از ناسره تشخیص داده نمی‌شد، در اکثر ادیان کلاسیک، شیطان کسی است که در هستی جایگاهی دارد، این جایگاه هم به واسطه، وسوسه انسان است. بر اساس عرفان اسلامی با کشتی گرفتن با او، موحدین از

غیر موحدین تشخیص داده می‌شوند. شیطان نقش یک وسوسه گر را دارد. جایگاه شیطان، از هستی و زندگی انسان قابل حذف نیست، نقش شیطان در هستی یک سره منفی است، اما برای توحید و برای رستگاری، جایگاه شیطان، قابل توجه است. با وجود شیطان است که می‌توان به معنای فضیلت و رذیلت پی برد. امکان اختیار و زندگی اخلاقی در مقابل زندگی غیر اخلاقی با شأن و جایگاه منفی اما حقیقی شیطان قابل بررسی است.

*راز پرستش شیطان چیست؟

قدرتی که بشر امروز با شیطان پرستی به دنبال آن است با اقتدار معنوی تفاوت دارد، قدرت شیطان پرستی، قدرت زودگذری است که در فضاهای مختلف نمی‌تواند خودش را در بالاترین جایگاه قرار دهد اما اقتدار معنوی به واسطه پشتوانه و جایگاهی که نسبت به خداوند عالم و نسبت به وحی الهی دارد، همیشه در بالاترین موقعیت می‌ایستد.

نور خداوند همیشه - حتی اگر مشرکان نخواهند - انتشار می‌یابد. رسولان الهی آمده‌اند تا نور و شفقت الهی را گسترش بدهند. علت اینکه چرا انسان‌ها در دوران مدرن دنباله‌رو شیطان می‌شوند و شیطان پرستی را ملجا خود قرار می‌دهند، دلایل مختلفی دارد، بخشی از آن تحلیل روانی دارد و بخش دیگری نیز تحلیل دینی و جامعه شناختی است. انسان‌هایی که از درون، افسار گسیخته هستند و به آرامش درونی و آسایش بیرونی دست نیافته‌اند به دنبال ملجا و جایگاهی برای جبران افسار گسیختگی شان هستند، شیطان پرستی بهترین ملجا و پناه برای این افراد است.

در شیطان پرستی همه چیز مجاز است، در این آیین سیاه، هر نوع لباس و پوشاک و هر نوع خوراکی مجاز است و هر نوع رفتار و ادبیاتی بدون محدودیت و بدون هیچ ساختار مشخصی آزاد است. انسان افسار گسیخته‌ای که از محدودیت فراری است و مسئولیت اعمال خود را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد، بهترین ملجا و پناهش شیطان پرستی است. شیطانی که از عالم تاریکی و عمق بدی و پلشتی، ندا می‌دهد که آزادی مطلق و هر آنچه که می‌خواهید نزد من است. به سوی من بیایید بدون هیچ محدودیتی. شیطان با شیپور انکار خودش بسیاری از انسانهای برون جسته از فضای وحدانی را به سمت خود می‌کشد و موجب می‌شود تا شاخه‌ای در دین پژوهی تحت عنوان «شیطان پرستی» بوجود بیاید یا به بیان دقیق‌تر کلیسای شیطان شکل بگیرد. هر چند در نگاه دینی، شیطان نادیده انگاشته می‌شود.

در نگاه جامعه شناختی، پیروان شیطان افرادی هستند که ادعاهای خاصی دارند و تصور می‌کنند، راه نجات را یافته‌اند و می‌خواهند آن را به بشر ارائه دهند.

* شیطان پرستی، دارای دسته‌بندی‌هایی هم هست؟

برای این آیین دروغین، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد، که اغلب به دو دسته شیطان پرستان فلسفی و دینی تقسیم می‌شوند.

شیطان پرستی فلسفی، مبادی زندگی و وحدانی و عدالت الهی را در کائنات زیر سوال می‌برد، خداوند را به عنوان قدرت وجود کائنات می‌پذیرد، اما علم و حیات و قدرت مطلق خداوند و آخرت را نمی‌پذیرد. به طور استعاری می‌توان گفت که دستان خداوند را فرو می‌بندد. این نوع از شیطان پرستی سعی می‌کند که حضور خداوند را در زندگی انسان کم کند.

در شیطان پرستی دینی، خدا به محاق می‌رود و شیطان در جایگاه خدا می‌نشیند. نمادهای تخیلی-وهمی همراه با بت پرستی جدید که در قالب‌های پوشاک، رفتار، ادبیات و نوع خاصی از آرایش است. مطلقاً نمی‌توان اذعان کرد که شیطان پرستان به معنای فلسفی شیطان پرستی رسیده‌اند، اما نمی‌توان انکار کرد که این افراد ممکن است به شیطان پرستی دینی هم برسند. برخی افراد هم بواسطه متفاوت بودن شیطان پرستی را می‌پذیرند.

به هر حال نقطه آغاز گرایش به شیطان متفاوت است. خطر و پلیدی شیطان پرستی دینی به مراتب شدیدتر و جدی‌تر از شیطان پرستی فلسفی است. شیطان پرستی دینی، بر زندگی و روان فرد تأثیراتی را می‌گذارد که باعث اغتشاشاتی در اجتماع و از بین رفتن نهاد خانواده، نابودی امنیت فردی و در نهایت به مسائلی چون خودکشی و استفاده از مواد مخدر و داروهای روان گردان ختم می‌شود.

* ادیان مختلف آیین‌ها، مناسک، مراسم خود را دارند، آیین و مناسک شیطان پرستی چیست؟ و پیروان شیطان در مناسک خود چه اعمالی را انجام می‌دهند؟

برای آشنایی بهتر لازم است نگاهی به کلیسای شیطان بیندازیم. کلیسای شیطان در سال ۱۹۶۶ در شیکاگو توسط «آنتوان لوی» بنیان گذاشته شد. لوی در ۳۰ آوریل همین سال خود را «اسقف اعظم کلیسای شیطان» می‌نامد و لقب پاپ سیاه را برای خود برمی‌گزیند. در کلیسا قرار می‌گیرد اما اعمال غیر متعارفی را انجام می‌دهد. اعمالی چون استفاده و نوشیدن خون، غسل تعمید با خون و استفاده از اجساد مردار حیوانات جزئی از شعائر آنها به شمار می‌رود. به بیان دقیق‌تر؛ زنا با محارم، تجاوز و سوء استفاده جنسی کودکان در انظار عمومی، عریان شدن در میان جمع همراه با رقص آتش، همراهی با موسیقی دهشتناک و مدرن و استفاده از نمادهایی که گاهی صهیونیستی است، بخش دیگری از شعائر شیطان پرستان است. استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر و موادی که در زندگی مورد توجه نیستند و اکثراً ناپاک به شمار می‌روند در شیطان پرستی مباح است. در واقع در این آیین ناپاکی جایگزین پاکی می‌شود. در این آیین هیچ‌گونه، حریم و یا خط قرمزی وجود ندارد. مسئولیت‌پذیری انسان نادیده گرفته می‌شود، همه چیز در زمان حال وجود دارد. مردان زن پرست، دختران تن پرست، چشمان هرزه بین، گام‌های هرزه پو.

* لباس، آرایش و مد، یکی از ابزارهای شیطان پرستی است، متأسفانه این روزها در خیابان‌های شهرمان شاهد جوانانی هستیم که ظاهر و پوشش‌شان بیانگر شیطان پرستی است، درباره لباس و آرایش شیطان پرستان توضیح بیشتری دهید؟

مدگرایی، سطحی‌ترین زاویه برخورد ما با شیطان پرستی است. اولین فصل متمایز شیطان پرستی

نوع لباس، پوشاک و ادبیات است. استفاده از نمادهایی که در آن عدد شش به کار رفته، صلیب شکسته معکوس، مثلثی که در درون آن عکس یک بز وحشی در داخل یک دایره قرار گرفته، ستاره پنج پر که نماد اصلی صهیونیستی‌هاست، استفاده فراوان و شدید از رنگ قرمز و سیاه در آرایش‌ها، آرایش موی سر به شکلی که هیچ گونه نظمی در آن نباشد به رنگ‌های سیاه، قرمز و نارنجی، کوتاه کردن موهای سر به شکل‌های عجیب و به نحوی خاص، نزدیک شدن به نمادهای فاشیستی و هیتلری در فضای جدید امروزی، پوشیدن لباس‌های کاملاً غیرمتعارفی که هم بدن را نشان می‌دهد و هم نشان نمی‌دهد. اینها بخشی از اقدامات شیطان پرستان در مدگرایی است.

*** با این تفاسیر جوانان باید آگاهانه لباس بپوشند، اما این آگاهی به طور صحیح و اصولی به جوانان ارائه نشده است؟**

شیطان پرستی به معنای دینی و حتی فلسفی آن در کشورمان، طرفداران بسیار اندک و ناچیزی دارد. اما به لحاظ نمادها، در سطح شهرها، نمادها و پوشش‌های شیطانی مشاهده می‌شود. در گفت و گوهایی که با جوانان با پوشش‌ها و تیپ‌های شیطانی داشته‌ام همگی اقرار کرده‌اند هدفشان از این نوع پوشش فقط متفاوت و متمایز بودن از دیگران است. اصلاً از موضوعی به نام شیطان‌پرستی اطلاعی ندارند، با این تفاسیر آنان شیطان‌پرست نیستند. مد همیشه معنای منفی ندارد و در صورتی که به سنت‌ها، باورها، تاریخ و هویت‌مان باز گردد، مثبت می‌شود. مد اگر به صورت غذایی نیم خورده از غرب به ما برسد، موجب می‌شود تا آن غذای نیم خورده را نشخوار کنیم.

*** آیا آماری در زمینه شیطان‌پرستی و جایگاه و تعداد آنان در کشور وجود دارد؟**

آمارهای رسمی و غیررسمی که در این زمینه در دسترس پژوهشگران وجود دارد، نمایانگر این است که در کشور، مجالس و مهمانی‌هایی به نام شیطان و شیطان‌پرستی برگزار می‌شود. در این مهمانی‌ها بیشتر، موسیقی‌های راک، هوی متال و موسیقی‌هایی که خشونت در آن مجاز می‌باشد به همراه رقص‌های آتش، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و روانگردان نمایان است. اگر دستاوردهای عمیق عرفان اسلامی به جوانان معرفی شود و پوچی و تهی‌وارگی شیطان‌پرستی را نمایان کنیم، شاهد ریزش پیروان هر چند ناچیز شیطان‌پرستی خواهیم بود. هدف اصلی شیطان‌پرستی، پوچ جلوه دادن زندگی بشری و نادیده انگاشتن معنویت و به محاق بردن پروردگار عالم، معلق نگه داشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد. اکثر افرادی که پیرو شیطان‌پرستی هستند در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند.

*** آمار قطعی و یا به صورت درصدی وجود ندارد؟**

البته، آمارهای دقیقی در برخی زمینه‌ها وجود دارد. اما شیطان‌پرستی آن گونه در انگلستان، آمریکا و کشورهای غربی وجود دارد به هیچ وجه و با آن شدت و گسترده‌گی در ایران وجود ندارد. شیطان‌پرستی در ایران در سطح نمایش و نمادها جلوه‌گری می‌کند. تعداد افرادی که به معنای خاص شیطان‌پرست باشند بسیار ناچیز و انگشت‌شمار است.

* علت اصلی گسترش خودکشی میان شیطان پرستان چیست؟

شیطان پرستی به انسان می آموزد که باید روح خود را با خودکشی به شیطان هبه کرد. با گذشتن از مهمترین هدیه خداوند که همان جان انسان است باید روح خود را در اختیار شیطان قرار دهی. باید تنها فرصت زندگی ات را به شیطان بفروشی با نادیده گرفتن عدالت الهی و افق امید به آینده زندگی که پیشروی یک جوان وجود دارد.

* شیطان پرستان در چه حوزه‌ها و عرصه‌هایی به فعالیت می‌پردازند؟

سینما، یکی از مهمترین حوزه‌های فعالیت شیطان پرستان است. از موسیقی برای ترویج و تبلیغ نهایت استفاده را می‌برند. ورزش هم از حوزه‌هایی که شیطان پرستان در آن فعالیت دارند البته به صورت پنهان اقدام می‌کنند. برخی از ورزشکاران مطرح در غرب پیرو شیطان پرستی هستند و عده‌ای دیگر از این ورزشکاران خود را در حیطه ای که منجر به شیطان پرستی است قرار می‌دهند.

شاخه‌هایی از شیطان پرستی و حتی برخی مکاتب نوپدید دینی با صهیونیسم در ارتباط هستند به لحاظ مالی از صهیونیستها کمک می‌گیرند البته نمی‌توان همه مکاتب نوپدید دینی را به صهیونیسم ارتباط داد. نگاهی که همه چیز را در این عرصه توطئه‌آمیز ببیند پژوهشگرانه و علمی نیست. مدارکی وجود دارد گواهی می‌دهند که صهیونیستها در کمک و مساعدت به شیطان پرستی و دیگر فرقه‌های نوظهور، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. عرفان یهودی که تحت عنوان قباله یا اصطلاح انگلیسی آن «کابالا» است، زمینه‌های، مکاتب نوپدید دینی و از جمله شیطان‌پرستی را فراهم می‌کند. عرفان عدد، عرفان نماد، عرفان قدرت پیدا کردن در هستی، عرفان تصرف در کائنات در معنای منفی خودش، از جمله مواردی است که بشر گسسته از عالم معنا به دنبال آن است. بشر گسسته از خدا، به دنبال نوعی اقتدار مجازی است که البته هیچ‌گاه به آن دست نخواهد یافت، به دلیل اینکه تنها وهم و سرابی از این اقتدار را تجربه کرده است.

البته فراماسونری، شیطان‌پرستی نیست. فراماسونری دسیسه‌وسیع سیاسی و اجتماعی است، برای به انحراف کشاندن نخبگان یک جامعه است. هر چند بخشی از اقدامات فراماسون‌ها می‌تواند شیطان‌پرستی و یا استفاده از نمادهای شیطانی و یا مجاز شمردن برخی از اعمال شیطان‌پرستان باشد. صهیونیسم، در پی‌رخنه در ادیان کلاسیک است، صهیونیسم، خود یک مکتب نوپدید دینی است و موقعیتی مجازی و خود ساخته دارد و از مکاتب وهمی است. هر جا که ندای تفرعن و ندای تاریکی و رذالت به میان می‌آید، در پس‌پرده و نقاب، صهیونیسم مخفی شده است. ثروت، رسانه‌ها و موقعیت خاص رسانه‌ای ابزار های اصلی صهیونیست‌هاست. دستاوردهای خاصی که از همکاری و همراهی رسانه و صهیونیسم، در قالب فیلم، موسیقی، کتاب، مجلات و عکس بدست می‌آید و بهره‌ی که حاصل می‌شود، همگی حکایت از پشتیبانی صهیونیست‌ها در این عرصه دارد. صهیونیست‌ها غیر حقیقی هستند و هر جا که غیر حقیقی وجود دارد، خودشان را با آن همراه کنند. صهیونیسم یک انحراف دینی است.

***در شیطان پرستی، با عناوینی چون کلیسای شیطان، انجیل سیاه و... که برگرفته از مسیحیت است برمی خوریم، علت چیست؟**

اناجیل اربعه، تنها دستاورد جدی و قابل پذیرش در عالم مسیحیت هستند. انجیل هفتاد سال پس از مصلوب شدن عیسی، نوشته شده است. یک فاصله تاریخی بین عیسی (ص) و انجیل وجود دارد. در کنار انجیل های قانونی، شاهد انجیل های غیرقانونی و غیر رسمی (اپو کریفا) هم هستیم. این انجیل ها که تعداد فراوانی هم دارند، در میان «مورمون ها»، «متدیست ها» و حتی در فضاهای غیر رسمی پروتستان ها هم وجود دارد، می توان یک کتاب جدید به نام انجیل شیطان (bible of satan) هم وجود داشته باشد. حوزه اناجیل این فرصت را فراهم می کند تا هر کسی بتواند به نام انجیل و عیسی سخنی بگوید و از حقیقت ندایی در بیاورد!

اسلام تنها دینی است، که پیامبر بر سر متن دین ایستاده و از ابتدا و تا انتها به واسطه ای این که متون کاملاً الهی هستند، نظارت کرده و نوشته شده است. به همین دلیل است که در اسلام کمترین جنبش ها و مکاتب دینی را شاهد هستیم. معدود مکاتبی هم که وجود دارند ناشی از فعالیت و خواست استعمار است. بهایی ها و وهابیون، با حمایت و پشتیبانی آمریکا، انگلیس و صهیونیست ها بوجود آمده اند. بیشترین مکاتب نوپدید دینی در آیین مسیحیت بوجود آمده است.

***علت پیدایش این همه مکاتب نوپدید از آیین مسیحیت چیست؟**

حضرت مسیح، غیر از چند مورد معدود، هیچ گاه خود را پیامبر معرفی نکرده، ثانیاً انجیل ها پس از مصلوب شدنش نگاشته شده اند، ثالثاً تشتت در کلیساهای مسیحی و تلاش برخی برای اینکه با زبان خود و فهم خود، با مسیح همراهی کنند، مزید بر علت شد تا این آتش افروخته تر شود. امروزه کلیساهای فراوانی وجود دارند که هیچ کدام دیگری را به رسمیت نمی شناسند. در چنین فضایی تشتت و مسمومی، امکان رویدن قارچ های سمی هم وجود دارد.

***وضعیت شیطان پرستی در جوامع اسلامی را چگونه می بینید؟**

در کشورهای عربی، به دلیل نگرش سنت و یا همان سنی بودن، در نسل های گذشته، شیطان پرستی جایگاهی نداشته است، در نسل های جدید، مگر به واسطه ماهواره، اینترنت و دیگر وسایل ارتباط جمعی، شاید تا حدی ورود پیدا کرده باشد، شیطان پرستی در کشورهای عربی جایگاه مستحکمی ندارد.

*** برای جلوگیری از گسترش شیطانی پرستی و دیگر مکاتب نو پدید و عرفانی های دروغین چه باید کرد؟**

دفاع عارفانه از دین، بهترین و مهمترین عامل است. پرداختن به پرسش های جدید جوانان بدون هیچ

محدودیت و هیچ انگ و برچسب تخریب‌کننده‌ای، پذیرفتن این نکته که دین در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در میان همه اقشار می‌تواند حرف نو و جدیدی برای گفتن داشته باشد، باید هنر استخراج این یافته‌های نو را داشته باشیم. و از همه مهم‌تر آشنایی عالمان و حاکمان دینی، با مکاتب نوپدید و انحرافات آنهاست. همراهی بیشتر با جوانان و شفقت بیشتر با طیف جوان که مملو از انرژی، زندگی و در عین حال متفاوت بودن است، البته باید حساسیت بیشتری را نسبت به موضوعات و مسائل اعتقادی و عرفانی جامعه و جوانانمان داشته باشیم

• مقدمات و تعریفات

محراب :

مقابل دیوار غربی قرار گرفته پارچه سیاهی به روی آن کشیده می‌شود .
بالای سر محراب (روی دیوار) ستاره ۵ پر وارونه نصب کن . روی محراب ۲
شمع سیاه روی پایه ، خنجر مخصوص مراسم ، جمجمه انسان ، یک زنگ ، یک
آتشدان و یک جام بگذار / برای نور بیشتر میتوان از شمع های سیاه در
گوشه های اتاق استفاده کرد / می‌توانید از جمجمه انسان ساخته شده از مواد
مصنوعی نیز استفاده کنید

خون :

جام را با مایعی به رنگ قرمز پر کن . ماهیت مایع اهمیتی ندارد زیرا که این
مایع نماد خون قربانیست .

آتش :

آتشدان را درست در مرکز محراب قرار ده .

پوشش :

تماماً سیاه همراه با ستاره ۵ پر وارونه آویخته بر گردن .

آداب مراسم :

به ترتیب ذیل زنگ را به صدا درآور : شش بار در جهت جنوب ، شش بار
در جهت شرق ، شش بار در جهت شمال . حال خنجر را بدست گیر به سمت
پنتاگرام وارونه نشانه برو و با لحنی دعایی نیایش کن :

بنام شیطان بزرگ و افتخار او ، لوسیفر من نیروهای تاریکی و قدرت شیطان را
به درون فرا می خوانم .

با خنجر پنتاگرام وارونه‌یی در هوا رسم کن و آتش را بی‌افروز ، نیایش را ادامه
بده :

آتش سیاه برافروخته و درهای تاریکی بر پاشنه خود چرخیده اند . روح سیاه و شیطانی کاین ظاهر شده ، کسی که از دوردست می آید تا خواست خود را بر فراز هستی بنا کند . بر حذر باش از گمراهی انسان که همواره همراه اوست از ابتدا تا نهایت . نظاره کن . این منم خدای دیروز ، امروز و فرداها . نگهبان زمان و ابدیت . بی مانند . غرق در دانایی . بی همتا در توانایی . عناصر را بخوان تا مرا خدمت کنند و نیروهای طبیعت را امر کن تا تجلی آمال من شوند . بپاخیز من تو رامی خوانم . دوباره خنجر را به سمت پنتاگرام وارونه نشانه برو و ادامه بده : کاین ، شیطان ، من قله ها را تصرف کرده ام . قدرت تاریکی در دستان من است . اکنون من در قالب تو خواسته های [شیطانی](#) ام را تجلی می بخشم ؛ پندار مرا با شکوه و عظمت باستانی تسخیر کن . مرا در لایه های نامریی و رمز آلودش تنها گزار . جام را در مقابل پنتاگرام وارونه بالا ببر (بمنظور پیشکش) و انگشت اشاره دست راست را درون ظرف ببر . انگشت را از ظرف خارج کرده ، دور لبه جام بگردان (در جهت گردش عقربه های ساعت) و همزمان بخوان : من از این جام می نوشم . من از زندگی می نوشم . قدرتهای نهفته در تاریکی مرا در بر گیرید .

جام را یک نفس تا انتها بنوش و ادامه بده : همراه با برترین نیروهای شیطانی و عمیق ترین قدرتهای تاریکی به جهان ماده باز می گردم تا شبی دیگر را تسخیر کنم . آتش را خاموش کن ، زنگ را در خلاف جهت ابتدایی به صدا در آور ، شمع ها را خاموش کن .

* اعمال و زمان شیطان پرستی :

زمان شیطان پرستی در زمانهای بسیار قدیم و قرون اولیه آدمی در چندین زمان انجام می گرفت : اولین زمان هنگام کسوف و خسوف بود ؛ بر این تصور که [شیطان](#) و خدای تاریکی از انسانها عصبانی هستند و منتظر هدیه خود و اگر برای آنها قربانی انجام نمی گرفت خدای تاریکی و شیطان تمام انسانها را قتل عام میکردند لذا برای آرامش شیطان قربانی کردن انسان انجام می شد . این مراسم به خصوص در قبایل آمریکای جنوبی بسیار فراوان دیده شده است به گونه ای که اکتشافات به دست آمده وجود این قربانی کردن ها را تصدیق میکند و اتاقهای مخصوص قربانی کردن نیز به شیوه ای خاص بنا شده بود و تزئینات خاص خود را داشت . البته قربانی کردن انسان در زمانهای دیگر نیز انجام میشد که اکنون

قربانی کردن انسان در دوره کنونی در یک شب کاملاً تاریک انجام می‌شود. اعمال مراسم شیطان پرستی نیز بسیار زیاد است و به ذکر چند مورد بسنده می‌کنم. مهمترین اعمال آنها اعمالی است که همیشه انجام می‌دهند و در آن به انجام امور جنسی می‌پردازند و همچنین از [شیطان](#) برای پیشبرد اهداف حاضرین کمک می‌خواهند و اگر کسی مشکلی داشته باشد برای حل مشکل وی دعا می‌شود. مراسم بعدی؛ مراسم عضویت یک عضو جدید به این هیئت و مجموعه است که این کار توسط کشیش کلیسای شیطان و یا همسر وی (بستگی به مذکر یا مونث بودن عضو جدید دارد) انجام می‌شود .

* مراسم قربانی کردن :

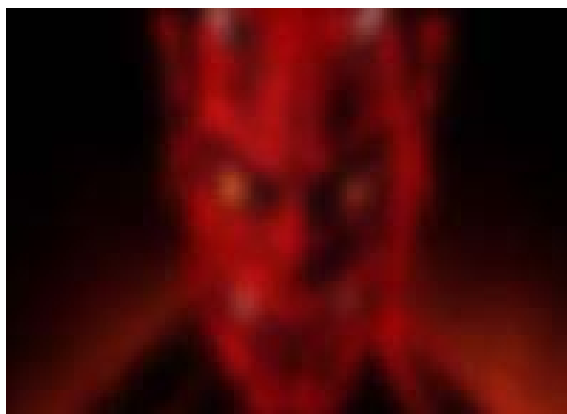
در شیطان پرستی جدید قربانی کردن مفهومی ندارد اما برای آنان که هنوز پیرو شیطان پرستی قدیمی و قرون وسطایی هستند این کار در شبی تاریک انجام می‌شود . قربانی توسط آب مقدس غسل داده می‌شود و بر روی محراب خوابانده می‌شود . البته اصولاً قربانی‌ها قبل از انجام مراسم بیهوش می‌شوند . و در کاملترین مراسم قربانی کردن برای شیطان ؛ قربانی پس از کشته شدن و نوشیدن خون وی توسط آتش سوزانده می‌شود . در این مراسم خواندن اوراد مخصوصی به زبانی کاملاً بی معنی و گاهی عبری انجام می‌گیرد .

مراسم معروف نماز سیاه یا نماز جماعت سیاه :

شاید معروفترین مراسم آنان باشد . این مراسم در کلیسای شیطان پرستی انجام می‌شود و دقیقاً همان مراسم عشای ربانی مسیحیت است با این تفاوت که تمام کارها برعکس انجام می‌شود و البته کارهایی نیز در آن مراسم انجام می‌گیرد که از ذکر آنها خودداری می‌کنم .

مراسم پیوستن عضو جدید :

در مراسم پیوستن عضو جدید به شیطان پرستان که البته همچنین عملی در جادوگری نیز وجود دارد بوسه مقدس است . این بوسه توسط همسر یا خود کشیش به بدن شخص عضو شونده زده می‌شود.



نام ها و صفات شیطان

۱- ابلیس؛ به معنای یأس و ناامیدی از رحمت خداوند است. لفظ ابلیس، ۱۱ بار در قرآن آمده است.

۲- وسواس؛ به معنای وسوسه گر و وسوسه کننده است.

۳- خناس؛ به معنای پنهان و ناپیداست که شیطان در سینه انسانها کمین می کند و مرتب وسوسه می کند.

۴- رجیم؛ به معنای سنگسار کردن و سنگسار شده است؛ چون هم از درگاه الهی رانده شده و هم توسط فرشتگان با شهاب ثاقب رانده شد و هم توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل و هاجر رانده شده است.

۵- حارث؛ که قبلاً اسم او در بهشت و در بین فرشتگان حارث بوده اما بعد از مخالفت با دستور خداوند و رانده شدنش از درگاه ربوبی، ابلیس نامیده شد.

۶- عزرائیل؛ از ماده عزیز و به معنای عزیز شده است؛ چون شیطان در بهشت، در میان ملائکه خیلی محترم و عزیز بود.

۷- صاغر؛ به معنای پست و ذلیل، ذلیل بودن به واسطه رفتن عزت و حکومت و استقلال و از بین رفتن حیثیت و مقام و حقیر و زبون بودن و... بعد از آن که شیطان آدم را سجده نکرد و در مقابل خدا تکبر نمود، خداوند خطاب به او

کرد و فرمود: (فاخرج ائک من الصّاعرین) (۱) یعنی از بهشت خارج شو؛ زیرا تو از افراد ذلیل و زبون و درمانده و پستی.

۸ و ۹- مذئوم و مدموره؛ (۲) یعنی ذلیلانه و با خواری رانده شده؛ راندن به قهر و غلبه. طرد کردن از رحمت، معیوب شده، ننگ و عار و تمام اینها درباره شیطان صادق است؛ چون او را با خفت و خواری و با قهر و غلبه از بهشت بیرون کردند.

۱۰- مذموم؛ سرزنش شده، زیرا خداوند بعد از آن که شیطان سجده نکرد او را سرزنش کرده و خطاب نمود: چرا سجده نکردی؟ آیا کافر شدی یا از بلندمرتبان بودی/(۳)

۱۱- غوی؛ یعنی راه هلاکت را در پیش گرفتن، نومیدی از رحمت خدا؛ گمراه شدن و گمراه کردن،

کاری جاهلانه که از اعتقاد نادرست و فاسد سرچشمه گرفته و جهل و نادانی که ناشی از غفلت باشد؛ از مقصد بازماندن و به مقصد نرسیدن. چون شیطان در آغاز، خودش گمراه شد و بعداً حضرت آدم(ع) و اولاد او را گمراه نمود، و آن اعتقاد فاسد و نادرست خود را ظاهر کرد، از مقصد خودش باز ماند و از رحمت خدا ناامید شد.

۱۲- عفریت؛ یعنی قوی، پرزور، زیرک، گرن کش و خبیث؛ اگرچن خبیث باشد همان را شیطان می گویند و یا اگر با داشتن خبائث و شرارت، نیروی زیادی هم داشته باشد عفریت نامیده می شود. همان طور که در داستان حضرت سلیمان(ع) آمده، وقتی که حضرت فرمود: چه کسی تخت بلقیس را برای من می آورد؟ عفریتی از جن گفت: من می آورم.(۴)

۱۳ و ۱۴- مارد و مرید؛ که معنی هر دو تقریباً یکی است و به معنی شیطان سرکش و متمرّد؛ ظالم و عصیان گر، بی شخصیت اعم از انسان و جن و شیطان، عاری از خیر و نیکی و برکت و فایده می باشد و (شیطانُ مارد و شیطاناً مریداً) در قرآن به همین معنی آمده است.(۵)

۱۵- شیصبان؛ مرحوم علامه مجلسی می گوید: یکی از نام های شیطان شیصبان است. و به بنی عباس هم بنو شیصبان می گویند؛ زیرا شیطان در نطفه بعضی از آن ها رسوخ کرده بود.

۱۶- ابومره ۱۷- ابوخلاف ۱۸- ابولئین ۱۹- ایض؛ که او مردم را به خشم می آورد.

۲۰- وهار؛ به خواب مؤمنان می آید و آنان را اذیت می کند. (۶)

۲۱- ابولئینی؛ یکی از دختران ابلیس «لئینی» است و لقبی برای ابلیس است.
۲۲ و ۲۳- نائل، و ابوالجان است. (۷)

شیطان پرستی فرقه ای مستقل؟

طبق بررسی های انجام شده نمادهای این گروه و همچنین تفکرات آنان از فرقه ای گسترده تر و طیفی خاص سرچشمه میگیرد به نام فراماسون (free masion) حال برای اینکه راجع به فراماسونها بررسی هایی را انجام دهیم باید به دل تاریخ برگردیم .

فتنه دجال

از زمان حضرت نوح (ع) هر پیامبری که به رسالت مبعوث شد مردم قوم خود را از فتنه دجال ترسانند.

دجال یکی از علائم حتمیه آخرالزمان و قبل از ظهور حضرت صاحب الزمان(عج) است ، که در روایات و تفاسیر توضیحاتی پیرامون آن داده شده است.

دجال طبق روایات مردی است که یک چشم دارد - وسط پیشانی - که مثل نور میدرخشد ، همه را به خود دعوت می کند، میگوید منم خدای شما ، از آسمان باران نازل می کند ، از زمین گیاه می رویاند ، الاغی دارد که هر گام آن کیلومترهاست ، دریاها را می پیماید ، از آسمان عبور می کند ، از هر موی این الاغ نواهایی بیرون می آید و توصیفات از این قبیل . گفته شده که دجال از زمان حضرت نوح بوده است بر خلاف سایر علائم آخرالزمان مثل خروج سفیانی ، سید یمانی ، سید خراسانی ، سید حسنی و ... که آخرالزمان به وجود می آیند .

روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که روزی حضرت با اصحاب از مکانی عبور میکردند مردی را به اصحاب نشان دادند به نام صاعد بن صید و فرمودند که این دجال است اما آن دجالی که آخرالزمان می آید این مرد نیست.

با این توصیفات مسلماً دجال نمی تواند یک فرد باشد احتمالاً یک جریان باشد ، یک تفکر، که آن همین تفکر فرامسونری است.

بنی اسرائیل و فراعین مصر

حضرت ابراهیم (ع) دو فرزند داشتند به نام های-اسماعیل(ع) و اسحاق (ع)-
اسماعیل (ع) و فرزندانش به پیامبر اسلام رسیدند . حضرت اسحاق (ع) فرزندى
داشتند به نام حضرت یعقوب(ع) که ایشان دوازده پسر داشتند که یکی از آنان
حضرت یوسف (ع) بود که طی جریاناتی به مصر کشیده شد و در آنجا به مقام رسید
. حضرت یوسف (ع) از زمین های حاصل خیز اطراف رود نیل به پدر و اطرافیانش
داد.

حضرت یعقوب (ع) لقبی را برای خود برگزیدند به نام اسرائیل به معنای بنده خدا
(اسر به معنای عبد و ئیل به معنای الله) - طبرسی مجمع البیان- ولی در کتاب قاموس
کتاب مقدس آمده :

«اسرائیل به معنای کسی است که بر خدا مظفر گشت»(ع) و فرزندان ایشان
معروف شدند به بنی اسرائیل .

حضرت یوسف (ع) در اواخر عمر خود به بنی اسرائیل خبر داد که بعد از من فرعون
به شما بدبین شده و شما را مورد آزار و اذیت قرار می دهد . همین گونه هم شد و
فراعین مصر یکی پس از دیگری بنی اسرائیل را به استضعاف کشاندند تا زمانی که
حضرت موسی (ع) به دنیا آمد. و وقایعی که در کتب تاریخی بدان اشاره شده به
وقوع پیوست .

کابالا (kabala)

قبل از به دنیا آمدن حضرت موسی (ع) عده ای به فرعون خبر دادند که پسری
متولد خواهد شد که تو را از تخت پادشاهی به زیر خواهد کشید . حال این سوال
مطرح می شود که از کجا مطلع شده بودند ؟

یک گروه زیر زمینی و سرّی به نام کابالا وجود داشت که در فضای جادوگری و پیش
گوئی به سر می بردند و هدفشان حکومت کردن بر مردم و سلطه جوئی است اینان
پیش گوئی کردند و به فرعون خبر دادند. فرعون هم شروع به کشتن نوزادان کرد.
اما به خواست خدا حضرت در دامن خود فرعون پرورش یافت.

حضرت موسی (ع) وقتی به پیامبری مبعوث شدند بنی اسرائیل را نجات دادند و از

رود نیل گذراندند همین کابالیست ها که از عاقبت فرعون با خبر بودند به ظاهر به خدای موسی ایمان آورده و از رود نیل گذشتند. و در راه به عده ای بت پرست برخورد کردند و گفتند : «إِجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (۵) ، و گوساله سامری را طراحی کرده و به خورد یهودیان دادند . و وقتی قرار شد که وارد بیت المقدس شوند سرپیچی کردند . تا اینکه چهل سال در بیابانی به نام « تیه » سرگردان شدند .

در این مدت حضرت موسی (ع) تعالیمی از جمله چهره شناسی ، ارتباط با شیپور و بوق که هم اکنون همه ساله مراسم ویژه ای در اسرائیل برگزار می شود و مردم در بیابانی جمع می شوند و با شیپور به یکدیگر پیام می دهند. در همین ایام بود که حضرت موسی (ع) از دنیا رفتند .

کابالیست ها و یهودیانی که به ظاهر ایمان آورده بودند پس از حضرت موسی (ع) با توجه به تعالیمی که از ایشان آموخته بودند و از قبل هم که به کار جادوگری و پیش گویی مشغول بودند ادعا کردند که می توانند اداره خلقت را بر عهده بگیرند و دستان خدا در مقابل آنها بسته است» وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ «(۶)

در راستای همین برنامه هایی که ایشان برای اداره خلقت داشتند پیامبران زیادی بر بنی اسرائیل نازل شدند تا آن ها را از این کار بر حذر بدارند. یکی از مهمترین ایشان حضرت عیسی (ع) بود .

عیسی (ع) کتابی آوردند به نام انجیل که در لغت به معنای بشارت است. و منظور بشارت به پیامبری حضرت خاتم (ص) است . اما این اتفاق پیش نیامد و اقداماتی انجام دادند که حضرت عیسی (ع) به خواست خدا به آسمان رفت. و انجیل عیسی به شدت مورد تحریف قرار گرفت و تبدیل شد به بشارت به خود حضرت عیسی (ع) نه پیامبر آخرالزمان .

سائل و تحریف انجیل

در آن زمان فردی یهودی زندگی می کرد به نام سائل که به شدت مسیحی کش بود . و مسیحیان را از بین می برد.

روزی وارد شهری که اهالی آن مسیحی بودند شد مسیحیان با دیدن وی پا به فرار گذاشتند ولی او به کلیسایی در آن شهر رفت و مشغول عبادت شد وقتی از او علت را جویا شدند گفت در راه مسیح بر من نازل شد گفت که از کشتن یاران من دست

بردار و تبلیغ دین من را بکن. به همین جهت مسیحی شد و حتی نام خود را به «پولس» تغییر داد. که هم اکنون در میان مسیحیان بسیار مقدس می‌باشد تا جایی که برخی نام «پل» را به عنوان پسوند قرار می‌دهند مانند «پاپژان پل». پولس به شدت شروع به تحریف در انجیل نمود. عده ای متوجه شدند اما از بین رفتند مانند «برنابا» که انجیل برنابا نیز وجود دارد که در آن نام پیامبر اسلام و حتی جانشین ایشان حضرت علی (ع) به صراحت بیان شده است.

اسلام و یهودیان

در زمان پیش از ولادت حضرت محمد (ص) یهودیان و کابالیست ها که ویژگی های پیامبر را در تورات و انجیل مشاهده کرده بودند به جزیره العرب کوچ کردن تا پیامبر آخرالزمان را شناسایی کرده و او را از بین ببرند. لذا پدر حضرت محمد (ص) عبدالله را شناسایی کردند و پیش از ولادت حضرت او را به قتل رساندند. و خود حضرت نیز مدت پنج سال در بیابان به دایه خود حلیمه خاتون سپرده شد. و پس از این مدت که پیامبر را شناسایی کردند به دلیل حمایت پدر بزرگ و عموی ایشان نتوانستند آسیبی به ایشان برسانند.

ایشان نمی خواستند اجازه دهند که بیت المقدس توسط اسلام فتح شود به همین منظور با پیامبر اسلام مخالفت می کردند.

حاکمیت کلیسا و انزوای یهودیان

در زمان قرون وسطی و پیش از انقلاب صنعتی اروپا که کلیسا بر مردم حکومت می کرد یهودیان به شدت مورد آزار مسیحیان قرار میگرفتند و حتی در جنگ هایی که معروف شد به جنگ های صلیبی بسیاری از یهودیان را به اجبار مسیحی میکردند و دینشان از آن ها می گرفتند. تنها کشوری که توانست مقاومت کند اسکاتلند بود که اولین لژ فراماسونری را تشکیل دادند. تا زمانی که رنسانس یا انقلاب صنعتی اروپا رخ داد و از قدرت کلیسا کاسته شد. و زمینه برای رشد و فعالیت یهودیان و به اصطلاح انتقام گیری فراهم شد. در همین زمان بود که یهودیان شروع به فعالیت کردند و کم کم لژهای دیگری در اروپا شکل گرفت.

فراماسون (free mason)

ماسون (mason) در لغت به معنای بنا است و فری (free) به معنای آزاد و فراماسون یعنی بنای آزاد.

فراماسون به کسانی گفته می شد که معماری خلقت و معماری تفکر را (از دیدگاه خود) می دانستند . البته لازم به ذکر است که بناهای توانمندی بودند.

به عنوان نمونه اهرام ثلاثه مصر (که از عجائب هفتگانه به شمار می رود) ساخته دست فراماسون هاست .

فراماسون ها فعالیت های خود را در سطح اروپا ادامه دادند تا زمانی که «کریستف کلمپ» امریکا را کشف کرد . در این زمان فراماسون ها به این قاره کوچ کردند و سنگ بنای امریکا را آن گونه که خود می خواستند ساختند . لذا نیویورک (که در همین مقاله به آن اشاره می شود) ساختار هندسی ماسونی دارد و بسیاری از نمادهای فراماسون ها در این شهر که پایتخت اقتصادی ایالات متحده امریکا است وجود دارد.

معرفی نمادهای شیطان پرستی

فراماسون ها برای اینکه تفکر دینداران جهان را به ابتذال بکشانند شیطان پرستی را ابداع کرده و به شدت به تبلیغ و گسترش آن می پردازند . در این قسمت به معرفی تعدادی از نمادها ، لوگوها و آرم های شیطان پرستی و گروه های مرتبط با آن می پردازیم .

پرگار و گونیا

این شکل نماد اصلی فراماسون ها می باشد که در آن پرگار و گونیای برعکس که علامت بنایی است وجود دارد . حرف G که در وسط این آرم نوشته شده مخفف کلمه (Goat) به معنای «بز» می باشد . که پیرامون آن نیز توضیحاتی خواهیم داد.
(إن شاء الله)

در این عکس نماد پرگار و گونیای برعکس را مشاهده می کنیم که در موارد مختلف از جمله آرم پلیس کانادا به کار برده می شود. این نماد در موارد دیگری مانند میادین اصلی شهر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی استفاده می شود .



بز بافومت (Bophomet)



این شکل مربوط به یکی دیگر از نمادهای شیطان پرستی است ؛ به نام «ستاره پنتاگرام» که در وسط آن سر بز یا همان (Goat) را ملاحظه می کنید . در این شکل چهار عنصر آب (که در وسط شکم آن شکل ماهی و نماد آب است مشخص می باشد) ، خاک (که در زیر پای بافومت قرار دارد) ، آتش (که در مشعل فروزان روی سر بز می باشد) و باد (که از وجود ماه و خطوط اطراف آن معلوم می شود) و دو جنسه بودن این بز که دارای یک بازوی مردانه و یک بازوی زنانه و قسمت های دیگر بدن وی که نشان از تقابل و آمیزش جنسی می باشد از بارزترین ویژگی های بز بافومت می باشد .

در عقیده شیطان پرستان «بز بافومت» نماد شیطان و قدرت تاریکی ها است که سر آن در یک ستاره پنج پر (7)(inverted pentagram) گنجانده شده است . که ستاره معروف پنتاگرام که رأس آن روبه بالا است نماد این چهار عنصر و راس آن نماد روح انسانی و معنویت آن است که شیطان پرستان با وارونه کردن آن روح را زیر پا قرار داده اند.

کلید آنخ (Ankh)



همان طور که گفتیم اهرام ثلاثه مصر از جمله افتخارات فراماسون هاست . به همین دلیل است که نمادهای مصر باستان در این فرقه به وفور یافت می شود.

نمادی که در شکل بالا ملاحظه می کنید کلید (آنخ) می باشد که در زمان مصر باستان در دست کاهنان معابد بوده است . کلید آنخ نماد حیات و جاودانگی می باشد که هم اکنون در فرقه ای به نام «فمنیسم» از جمله فرقه های فراماسونری استفاده می شود . آنان زن را نماد حیات و جاودانگی می دانند به همین دلیل از این نماد استفاده می کنند . در شیطان پرستی Ankh نماد و سمبل شهوت و سکس می باشد (۸).

ضد مسیح (Anti Christ)



در شکل بالا که ستاره پنتاگرام در وسط دیده می شود خصومت شیطان پرستان با مسیحیت آشکار می شود.

از دیگر علامت های شیطان پرستان آنتی کریست (Anti Christ) به معنای ضد مسیح که به صورت صلیب برعکس می باشد . شیطان پرستان با اینکه در واقع در مقابل تمام ادیان ایستاده اند اما خصومت و دشمنی خاصی با مسیحیان دارند(۹) به همین علت علائم و نمادهای آنان را مورد استهزاء قرار می دهند . در ادامه این دشمنی بیش از پیش مشخص می شود.

(X) نماد کابالا

یکی دیگر از مهمترین نمادهای کابالیست ها و شیطان پرستان (X) که امروزه متأسفانه در ایران به عنوان بوگیر اتومبیل به وفور استفاده می شود.



دست شاخدار (Cornuto)

علامت دست شاخ دار (Cornuto) نماد ارادت به شیطان (بز) است که شیطان پرستان از آن در مراسم مختلف برای نشان دادن هویت خود استفاده می کنند. این علامت را بعداً بیشتر خواهید دید ؛ که شخصیت های مختلفی از آن برای نشان دادن هویت اصلی خود استفاده می کنند . از این نماد در گروه موسیقی هوی متال نیز استفاده می شود .



هرج و مرج (Anarchy)

این نماد عمدتاً مورد استفاده گروههای هوی متال است که از جمله نمادهای فراماسونری می باشد. حرف «A» مخفف کلمه «Anarchy» به معنای هرج و مرج و نابسامانی است. و به این گروه آنارشیسیم اطلاق می شود این نماد به معنای از بین بردن تمام قوانین است «هرچه تخریب کننده است، تو انجام بده» در شیطان پرستی همه چیز آزاد است. هر نوع لباس، تفکر و عملی آزاد است. و هیچ چیزی انسان را از خوی حیوانیت و مست دنیا باز نمی دارد. لذا می بینیم که شیطان پرستان خواهان بی نظمی، قتل انسان به عنوان قربانی و حتی خودکشی (که کمال افتخار برای یک شیطان پرست می باشد) هستند.



چشم شیطان (Eye of satan)

این نماد به معنای چشم شیطان «نظارت و اقتدار» کمتر شناخته شده است. فراماسون ها از این نماد زیاد استفاده می کنند. از دیگر نام های آن چشم همه بین (All seeing eye) می باشد که در طراحی دلار نیز به کار رفته است. که اگر دقت شود تک چشم چپ می باشد که در مورد دجال در روایات نیز آمده است. (۱۰)



صلیب شکسته یا چرخش خورشید (or sun wheel swastika)

چرخش خورشید یک نماد باستانی است که در برخی فرهنگ های دینی همچون کتیبه های برجای مانده از بودایی ها مقبره های یونانی دیده شده است .

این نماد بعد ها توسط هیتلر به کار رفت ، لکن برخی با هدف به سخره گرفتن مسیحیت این سمبل را وارد شیطان پرستی کردند .



Goat Head (سر بز)

بز شاخدار ، بز مندس mendes (همان ba'al بعل یا اُسیروس ، خدای باروری مصر باستان) بافومت ، خدای جادو ، scapegoat (بز طلیعه یا قربانی). این یکی از راههای شیطان پرستان برای به سخره گرفتن مسیح است زیرا گفته می شود که مسیح مانند بره ای برای گناهان بشر کشته شد و خود را برای نجات بشر فداء نمود .



چشمی در حال نگاه به همه جا (Eye All seeing چشم همه بین)

شیطان پرستان اعتقاد دارند چشم در بالای هرم چشم شیطان است که بر همه جا نظارت و اشراف دارد این علامت در پیشگویی ، جادوگری و کنترل های مخصوص جادوگری مورد استفاده قرار می گیرد .

آن ها معتقدند این چشم لوسیفر شیطان است و کسی که قدرت کنترل آن را دارد بر تمام دارایی ها حکومت می کند . کافی است به دلار ، پول رایج آمریکا نگاهی بیندازید . این علامت اساس نظم و ساختار نوین جهانی است (ordo novus skolorum) که در شکل صفحه بعد به زبان لاتین مشخص است . که ترجمه آن به انگلیسی (New order of the Ages) می شود. که در شکل پایین صفحه به آن اشاره شده است



ضد عدالت (Anti justice)

از دیگر نمادهای شیطان پرستی آنتی جاستیک (Anti justice) به معنای ضد عدالت این تبر رو به بالا به معنای عدالت و رو به پایین ضد عدالت است . شیطان پرستان برای نشان دادن مخالفت خود با عدالت اجتماعی از هیچ فعالیتی مضایقه نمی کنند .



اعداد ماسونی

در فرهنگ فراماسونری همانند دیگر مذاهب اعدادی خاص جنبه تقدس به خود گرفته ، و بیانگر عقاید و تفکرات ماسونی و گاهی مخالفت با سایر ادیان می باشد .

عدد ۱۳



عدد سیزده در برخی از ادیان از جمله مسیحیت از اعداد نحس و شوم تلقی می شود ، مسیحیان کمتر از این عدد استفاده می کنند . تا جایی که در ساختمان های خود به جای طبقه سیزده عدد ۱۲+۱ استفاده می کنند . لکن این عدد برای شیطان پرستان و ماسون ها عددی مقدس است .

این نماد در طرح یک دلاری به کار رفته است، که در آن ۱۳ شاخه زیتون در پای چپ ، ۱۳ تیر در پای راست ، ۱۳ ستاره پنتاگرام در بالای سر که مجموعاً ستاره هکزاگرام را تشکیل می دهند و ۱۳ خط سفید و قرمز بین دو بال عقاب که در پرچم امریکا نیز به کار رفته است قابل مشاهده می باشد . همچنین هرمی که در سمت راست تصویر قابل مشاهده است نیز دارای ۱۳ طبقه می باشد . که اگر نماد پرگار و گونیای برعکس را روی این شکل پیاده کنیم حروفی که در دور حرم جدا خواهد شد کلمه mason را تشکیل خواهند داد .



عدد ۳۳

از دیگر اعداد مقدس فراماسون ها عدد ۳۳ می باشد که فراماسونرهای اعظم دارای این درجه خواهند شد .



ساخت یک دلاری و طراحی نمادهای آن حدود شش سال به طول انجامیده است. جرج واشنگتن (Washington) اولین رئیس جمهور امریکا و فراماسونر اعظم می باشد که دارای درجه ۳۳ است و عکس وی در طرح یک دلاری به کار رفته است .

کاخ سفید

تصویر روبرو نقشه هوایی شهر نیویورک را مشخص می کند. در این عکس اگر خطی مطابق شکل از ساختمان پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) که در پائین شکل مشخص است به کاخ سفید (White house) محل تلاقی دو خط رسم و از آن به یکی از اصلی ترین ساختمان های ماسونی به نام جفرسون کشیده شود زاویه ای که از این دو خط حاصل می شود ۳۳ درجه می باشد . نکته دیگری که در این تصویر وجود دارد ساختمان کاخ سفید است که با چهار میدان اطراف خود ستاره پنتاگرام را تشکیل می دهند .



سازمان ملل

شکل روبرو آرم سازمان ملل را نشان می دهد که در آن سیزده پر زیتون در دو طرف کره زمین قرار دارد و همچنین خطوطی که کره زمین را به ۳۳ قسمت تقسیم کرده است نمایانگر عدد ۳۳ می باشد .

(جان اف کندی) تنها رئیس جمهور ضد ماسون ایالات متحده بود که در زمان ریاست جمهوری در شهر دالاس ترور شد . در شکل شهر دالاس نشان داده شده است که نزدیک مدار ۳۳ درجه می باشد .

صحرای هرمجدون یا آرماگدون که در اسرائیل قرار دارد و به اعتقاد یهود آخرالزمان ، منجی یهود در این صحرا ظهور می کند ؛ نیز نزدیک مدار ۳۳ درجه می باشد . جنگ ۳۳ روزه لبنان که در روز سی ام آتش بس اعلام شد ولی بی هیچ دلیلی تا روز سی و سوم ادامه پیدا کرد نیز در نزدیکی مدار ۳۳ درجه رخ داد .

همچنین عملیات صحرای طبس و بمب اتمی امریکا درناکازاکی نیز در نزدیکی همین مدار صورت گرفت .



عدد ۶۶۶

از دیگر اعداد معروف شیطان پرستان عدد ۶۶۶ می باشد، به عقیده آنان در ششصد و شصت و ششمین روز از خلقت حضرت آدم شیطان او را از بهشت راند . از این عدد به عدد وحش یاد می شود که نمایانگر شیطان است .

۶۶۶ سمبلی است که به عنوان شماره تلفن شیطان از سوی گروه های هوی متال ،

وارد ایران اسلامی شده است اما در حقیقت علامت انسان و نشانه جانور در میان شیطان پرستان تلقی می شود . از سال ها پیش تا کنون این عدد با اشکال مختلف روی دیوار شهرهای بزرگ نقش بسته است .

برخی معتقدند این نماد هم بهانه ای است برای گسترش نمادهای این افراد .

حرف F ششمین حرف از حروف الفبای انگلیسی است که با کنار هم قرار گرفتن ۳ F عدد ۶۶۶ پدید می آید . در برخی از بارکدها دو خط در اول وسط و آخر بارکد همانند شکل بزرگتر از سایر خطوط مشخص است که نماد عدد ۶۶۶ می باشد.



چرخش سه ۶



شخصیت های شیطانی

مرلین مانسون (Marlyn Manson)

مرلین مانسون نام مستعار «برایان وارنر» متولد ۱۹۶۹ میلادی از یک خانواده فقیر و سطح پائین فرهنگی در منطقه کانتون اوهایو امریکا می باشد .

دوران کودکی وی با آرزوهای دست نیافتنی و همه سختی هایش به پایان رسید . برایان مدت ۱۱ سال در یک مدرسه مسیحی تحصیل کرده و در سن ۱۸ سالگی ضمن نقل مکان به منطقه تامپابای فلوریدا به شغل روزنامه نگاری روی آورد .

وارنر در طول این مدت مطالب ضعیفی را با قلم خود در نقد اشعار موسیقی های مبتذل «متال» و «راک» به رشته تحریر در می آورد

گروهی از همراهان وی را منتقد متالیکا معرفی می کنند . اما آنچه قاطعانه می توان درباره دوران جوانی این شیطان مدرن گفت این است که سال های جوانی وارنر سال های آشنایی وی با فضای مسموم گروههای شیطان پرستی و اقمار آن نظیر گروههای متالیکا ، هیپی و ... است .

به هر حال وی پس از آشنایی به « اسکات میچل » گیتاریست فعال در برخی از گروههای کوچک و نه چندان حرفه ای راک ، گروه متالیکای خود را تشکیل می دهد .

وی در این سال ها نام مرلین منسون را با ترکیب دو نفر دیگر بر خود برگزید . نام مرلین را از بازیگر زن هالیوودی «مرلین مانرو» که شهرت به فساد و بازی در فیلم های غیر اخلاقی داشت و از ظاهر زیبایی برخوردار بود و منسون را از کشیش ناراضی فرقه گرا و قاتل حرفه ای به نام چارلز منسون بر می گیرند .



پس از انتخاب جسورانه گروه منسون در انتخاب رنگبندی صحنه ، نوع اجرا، گستاخی در استفاده از الفاظ رکیک و ترویج فحشا در آثار ایشان با شرکت فعال موسیقی به نام «تایتینگ ریکورد زلیپل» در امریکا آشنا می شود . و زمینه های گرایش بیشتر شیطان مدرن به وحشی گری در صحنه های اجرا از جمله پاره کردن انجیل و پرتاب آن به سمت مردم و خوردن مدفوع و هر کاری که حتی از حیوان هم ساخته نیست را فراهم آورد ؛ و از وی یک چهره معروف و سوپر میلیونر ساخت . این اقدامات او را از جایگاه یک مطرب محلی در فلوریدا ،خارج و به یک چهره ملی در امریکا تبدیل ساخت .



عقاید

هیچ عقیده ثابتی را نمی توان به منسون نسبت داد ، او مظهر لاقیدی و بی عقیدگی محض است و آنجا که پای عقیده به میان کشیده می شود آن عقیده به شیطان و بزرگی این موجود رانده شده ختم می شود لکن از آنجا که انسانهای بی

عقیده و مکاتب بی عقیده باید در پی انجام اعمال خود به فلسفه بافی بپردازند تا مرموزتر جلوه کنند ، او نیز فلسفه بافی هایی را طرح می نماید به عبارتی فلسفه بافی به کمک مشتری داشتن و ماندگاری مشتریان به کمک او آمده است.

در مرحله بعد القای مفاسد فکری و عقیدتی در دستور کار وی قرار دارد که در صدر آن همان بی عقیدگی است. بی عقیدگی که در پلورالیسم یا نسبت گرایی نیز رخ می نماید امروزه شاخصه زیربنای بسیاری از مکاتب فکری است ، منسون مصداق نسبیت گرایی است

چشم چپ مانسون اولین نمادی است که از آن به عنوان (Look marlin manson) یاد می شود .

این چشم با لنز روشنی از چشم دیگر وی متمایز است . اغلب تصاویر منتشر شده از منسون به گونه ای تهیه می شود که این چشم به صورت واضح در آن مشخص باشد .

وی در هر اجرایش با گریم و چهره ای متفاوت روی صحنه ظاهر می شود و همین موضوع باعث جلب توجه طرفداران وی گشته است .

از دیگر مشخصه های مرلین می توان به عدد ۶۹ روی سینه اش اشاره کرد که نشان از سال تولد منسون دارد . او با این کار سال تولد خود را تحولی در بشریت و سال مهمی قلمداد می نمود . این فرد همچنین برخی از نمادهای جدید را در شیطان پرستی ابداع کرده و برخی را دستخوش تغییر و تحولاتی نموده است .(۱۱)



آنتوان لاوی

آنتوان شزاندِر لاوی (Anton Szandor LaVey) معروف به دکتر لاوی، مؤسس و کاهن اعظم کلیسای شیطان. نویسنده کتاب انجیل شیطانی و بنیان گذار شیطان پرستی فلسفی است.

وی در ۱۱ آوریل سال ۱۹۳۰ در شهر شیکاگو ایالت ایلینوئیس متولد شد. سپس به سافرانسیسکو نقل مکان کرد و بیشتر دوران رشد وی در همان جا سپری شد.

پس از رها کردن دبیرستان و فرار از خانه در ۱۷ سالگی ابتدا به سیرک پیوست و بعد به نوازندگی روی آورد. و در سال ۱۹۵۰ به عنوان عکاس در دایره جنایی پلیس استخدام شد.

در سال ۱۹۵۲ با شخصی به نام کارول لنینگ ازدواج کرد. نتیجه این ازدواج دختر اول او کلارا لاوی بود. ازدواج آنها پس از شیفتگی آنتوان به داین هگارتی در سال ۱۹۶۰ منجر به طلاق شد.

داین و آنتوان هرگز با یکدیگر ازدواج نکردند ولی ثمره این رابطه دختر دوم
لاوی به نام زنا لاوی بود .



لاوی که در سانفرانسیسکو از محبوبیت خاصی برخوردار بود ، شبهای جمعه به
ارائه سخنرانی های سری که آنها را دایره اسرارآمیز نامیده بود پرداخت. یکی از
اعضای همین حلقه به وی پیشنهاد تأسیس آیین جدید را داد .

در ۳۰ آوریل ۱۹۶۶ در حالی که سر خود را به عنوان آیین جدید تراشیده بود ،
بنیان گذاری کلیسای شیطان (church of satan) را اعلام کرد . همچنین این سال را
به عنوان سال اول عهد شیطان (anno Satan) نامید . چندی بعد با انتشار انجیل
شیطان در سال ۱۹۶۹ به اظهار تعالیم کلیسای شیطان پرداخت و اظهار داشت که
شیطان فرمانروای زمین است . از جمله دیگر کتاب های لاوی می توان به آیین
پرستش شیطان ، و دفتر یادداشت شیطان اشاره کرد .



پس از جدایی هگارتی از لاوی در اواسط سال ۱۹۸۰ آخرین همراه لاوی
بلانچ بارتون بود که نتیجه این همراهی تنها پسر لاوی به نام سیتن سرکیس
کرنکی لاوی (۱۲) شد .

وی در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۷ در بیمارستان سنت ماری شهر سانفرانسیسکو بر اثر
تورم ریه درگذشت. در تدفین شیطانی لاوی که به صورت مخفی انجام شد ،
جسدش سوزانده و خاکستر آن به این عقیده که وی دارای قدرت شیطان
است بین وارثانش تقسیم شد .

شیطان رستی و دجال

شیطان پرستی یک حرکت مکتبی، شبه مکتبی و یا فلسفی است که هواداران آن شیطان را یک طرح و الگوی اصلی و قبل از عالم هستی میپندارند. آنها شیطان را موجودی زنده و با چند وجه از طبیعت انسان مشترک می‌دانند. شیطان پرستی را در گروه «راه چپ» مخالف با «راه راست» طبقه بندی می‌کنند. دست چپی‌ها به غنی سازی روحی خود در جریان کارهای خودشان معتقدند. و بر این باورند که در نهایت باید تنها به خود جواب پس دهند. در حالی که دست راستی‌ها غنی سازی روحی خود را از طریق وقف کردن و بندگی خود در مقابل قدرتی بزرگ‌تر بدست می‌آورند

لاوییان‌ها در واقع خدایی از جنس شیطان و یا خدایی دیگر را برای خود قائل نیستند. آنها حتی از قوانین شیطان نیز پیروی نمی‌کنند. این جنبه اعتقادی آنها به طور مکرر به اشتباه نادیده گرفته می‌شود و عموماً آنها را افرادی می‌شناسند که شیطان را به عنوان خدا پرستش می‌کنند.

شیطان پرستی به جای اطاعت از قوانین خدایی یا قوانین طبیعی و اخلاقی، عموماً بر پیشرفت فیزیکی خود با راهنمایی‌های موجودی مافوق یا قوانینی فرستاده شده تمرکز دارد. به همین دلیل بسیاری از شیطان پرستان معاصر از باورها و گرایش‌های ادیان گذشته اجتناب می‌کنند و بیشتر گرایش‌های خودپرستانه دارند. به گونه‌ای که خود را در مرکز هستی و قوانین طبیعی می‌بینند و بیشتر شبیه به مکاتبی چون ماده‌گرایی و یا خودمحوری و جادومحوری هستند. به هر حال بعضی شیطان پرستان به طور داوطلبانه بعضی از قوانین اخلاقی را انتخاب می‌کنند. این یک جریان وارونه سازی را نشان می‌دهد .

Marilyn Manson

مرلین منسون خواننده مایه داری که جنجال های زیادی در جهان موسیقی متال به وجود آورده است او در بین جهانیان القاب و بحث های گوناگونی دارد بعضی ها او را شیطان بزرگ می نامند بعضی ها به او فرستاده شیطان می گویند گروهی او را دلک رنک کرده ای می نامند که پول پارو می کند و برخی در موسیقی خشن متال به او چیزی بهتر از کوچولو نمی گویند. خیلی ها فکر می کنند او فقط یک شیطان پرست است ولی زود قضاوت نکنید او دارای مدرک استادی در رشته فلسفه است و انسان با سوادی است .

مرلین منسن MARILYN MANSON متولد ۵ ژوئن سال ۱۹۶۹ است . نام واقعی او برین وارنر (Brain Warner) است . او در خانواده ای متوسط در کانتون زندگی می کرد . نکته جالب اینکه او در یک مدرسه مذهبی (مسیحی) تحصیل می کرد . او در دهه هشتاد برای موسیقی راک نقد می نوشت و همگان در جریان ایراد گرفتن او از آزی آذربورن و کل کل مرلین با او و شکست آذربورن هستند . بگذارید برایتان به نقل از یک مجله داخلی (ایرانی) بگویم که در جلسه کل کل این دو غول موسیقی راک مرلین در جواب سوالی از سوی آذربورن گفت : کسی که خودش را برای موسیقی می کشد همان بهتر که زنده نباشد . و باعث شده که هم اکنون آذربورن خانه نشین گردد . منسن در سن ۱۸ سالگی به فلوریدا رفت و شروع کرد به نوشتن داستان و شعر و تلاش کرد که آن ها را منتشر کند . ولی به این کار ادامه نداد . بعد از آن با شخصی بنام Scott Mitchell ملاقات کرد که در آن موقع برای گروهی گیتار می زد زندگی هنری منسن از آن زمان آغاز شد . منسن نامش را از مخلوط کردن دو نام آورده است . نام کوچک او یعنی مرلین را از نام بازیگر زن معروفی بنام Marilyn Monroe گرفته و نام کوچکش را از یک رهبر مذهبی نچندان معروف بنام Charles Manson گرفته است . او در وقت های آزارش نقاشی می کند و می نویسد. همچنین او دارای یک کلکسیون از اعضای مصنوعی بدن انسان است

و به این کار بسیار علاقه دارد. نام گروه او که در سال ۱۹۹۰ درست کرد در ابتدا The spooky kids بود ولی بعدها گروه او بی نام گشت و تنها نام مرلین منسن ذکر می شود. خانه او در لوس آنجلس است که یک بار هم از آن بعنوان استودیو برای ضبط آهنگ هایشان استفاده کردند. اصطلاحی برای طرفداران مرلین وجود دارد: Marilyn Manson look که منظور از آن چشم منسن است که در آن لنز قرار داده. به هر حال مرلین اولین آلبوم خود را در سال ۹۴ با نام smells like children ارائه کرد. پس از آن هم آلبوم های زیادی ارائه کرده. او در هر آلبوم سبک اثر را و نوازندگان را تغییر می دهد اساسی.

منسن خواننده ایست که در دهه ۹۰ با ظهور ناگهانی خودش روح تازه ای در کالبد در حال زوال موسیقی راک دمید و با صدای سازهایی که بیشتر به صدای ارواح شبیه بود سبک تازه ای را به دنیای موسیقی معرفی کردند و بعدا این سبک مورد تقلید گروه های زیادی قرار گرفت

منسن یک خواننده ی antichrist است و دارای فلسفه ای منفی باف است(در رابطه با دنیا) که شاید بی شباهت به فلسفه ی بودا برای ریاضت کشیدن و نیچه یا موریس مترلینگ نباشد به هر حال مگر غیر از این است که این دنیا فقط دارای نکات منفی و دروغی بزرگ است؟ به نظر من فلسفه مثبت نگر نسبت به دنیا دروغ است. شاید تنها نکته مثبت این دنیا مرگ باشد که به آن خاتمه می بخشد

راستی به قدرت خیره کننده اجراهای زنده مرلین منسن توجه کرده اید؟ واقعا تسلط خاصی لازم است که در هنگام اجرا به بداهه کوئی پرداخته قسمت هایی از ترانه هایش را تغییر دهد. واقعا هنجره ای طلایی برای آنچنان اجرایی لازم است

درباره شعر های منسن باید گفت همیشه در بین این شعرها با غافلگیری مواجه می شویم که انسان را به تفکر مجبور می کند. همین حالت در ترانه های او کاملا مشهود است.

اعضای گروه مرلین منسون Marilyn Manson

Twiggy Ramirez: او بیسیست گروه است که در اواخر سال ۱۹۹۳ جایگزین Gidget Gein شد. نام واقعی او Jeordie White است و اهل ایالت Fort Lauderdale, Florida است. قبل از آن او بیسیست گروه Amboog-A-Lard بود که سال ها قبل تورهای خود را به همراه مرلین منسن اجرا می کردند. پس از اینکه تویکی رامیرز آن گروه را ترک کرد آن گروه از هم پاشید. در واقع او دست راست مرلین منسن است و بیشتر تکیه آهنگ های منسن روی بیس های فوق العاده اوست.

Giner Fish: او درامر گروه است که در سال ۹۴ جایگزین Sara Lee Lucas شد. نام واقعی او Kenny Wilson است. لغب او ماشین درام است که به علت اجراهای بی نقصش این لقب را گرفته. به همین دلیل بود که سارا لی لوکاس را در واقع با اردنگی از گروه بیرون کردند و جینر جایگزین او شد. او اهل لاس وگاس است

Madonna Wayne Gacy: او نوازندگی کیبورد گروه را بر عهده دارد. نام واقعی او Stephen Bier است. روز تولد او ۶ مارچ است. او جایگزین نوازنده کیبورد اولیه گروه یعنی Zsa Zsa Speck شد. لازم به ذکر است که مادونا یک مهندس کامپیوتر است و قبل از پیوستن به گروه در دانشگاه فلوریدا تحصیل می کرد

John: نام واقعی او John Lowery است. او متولد ۳۰ جولای ۱۹۷۱ است در سن ۶ سالگی شروع به نواختن گیتار کرد. او به واقع در سال ۱۹۸۹ خود را یک نوازنده حرفه ای گیتار یافت و از آن زمان با گروه های زیادی از جمله Red Square Black, foSTted, Ryan Downe, Wilson Phillips, Night Rangers, Two, Ozzy Osbourne, Raven Payne, One Way, Salt "n" Peppa, kd lang, Pepperland, Lita Ford, Leah Andreone, David Lee Roth همکاری کرده و هم اکنون نیز گیتاریست مرلین منسن است. گیتار مورد استفاده او یک Ibanez GAX Series است.

در ۱۹۹۳ ترنت رزنور در گروه nine inch nails با آنها تماس گرفته و پیشنهاد کرد برای ارایه یک کار جدی گروه با شرکت مربوط به او یعنی نایتینگ ریکورد زلیبل قراردادی ببندند شاید اینگونه شانس گروه برای حضورهای جدی تر و ماندگارتر بیشتر شود. منسون این پیشنهاد را می پذیرد و در خلال تابستان ۱۹۹۴ با کمپانی یاد شده وارد مذاکره می شود. این درحالی بود که یک نوازنده جدید بیس با نام تویگی رامیرز جایگزین عضو قبلی گین شده بود. از همین جا بود که شهرت منفی گروه آغاز شد و اجرای گروه در سالت لیک سیتی شروع این حرکت بود. کارهای غیرمنتظره منسون روی صحنه نمایش از او یک شیطان مجسم ساخته بود.

جالب آنکه هرچه تضاد او با جامعه بیشتر می شد و عده منتقدینش افزایش پیدا می کردند محبوبیت وی در میان هوادارانش بیشتر می شد تا جایی که با انتشار آلبوم children Ep smells like در سال ۱۹۹۵ وارد خط اصلی جریان سازان برای نوجوانان شد تاثیرگیری اش از گروه یوریتیمیک و حتی اجرای کاور آهنگ معروف گروه یعنی رویاهای شیرین توانست به یک موفقیت غیر منتظره بدل شود.

در باره ی سبک و عقیده های منسون

مرلین مانسن سبک شناخته شده ای ندارد بعضی ها میگویند راک و بعضی ها میگویند متال است که لباس و گریم و ادا و رفتارشان مثل پانکی هاست ولی این از آن تفکر مانسن به وجود آمده که از هر چیزی که به دردش بخورد برای جلب توجه استفاده کند بازم به نظر من اگر مانسن می دانست که بریدن آهن آلات چه صدای دلنوازی دارد بعید بود که از این صدا نیز استفاده نکند!!!!!! و این طوری بود که من گفتم سبکی جدید برای خودش ساخته است.

((در سال ۱۹۹۷ مرلین منسون خبرسازترین چهره شده بود چون ناگهان با آلبوم فوق ستاره ضد مسیح بر ضد تمام تاریخ بشریت قیام کرد آهنگ های او از لحاظ

موسیقی بار چندانی نداشتند. ولی مفاهیم اشعار و ترانه های او بسیار نو و متفکرانه اند مانسن بارها و بارها با القاب مختلف مورد خطاب نشریات و منتقدان گوناگون قرار گرفت القابی مثل : دیوانه پلید ابله کثیف مظهر شیطان انسان سگ سان خبرسازپول دوست نابغه درک نشده ناجی فرشته نجات بخش فرزند عیسی و... بعضی ها او را بازیچه سرمایه داران می دانند ولی بعضی او را فردی میدانند که کار خودش را میکند و ترسی هم از کسی ندارد گروهی مانسن را مقلد گروه کیس می دانند و عده ای هم "تنها نوآور تاریخ بشریت" سبک مانسن یک سبک جدا شده از اینداستریال متال است البته فقط بر پایه اینداستریال متال و گر نه ضرباهنگ هایش را کم کرده و ریف های صیقل داده و مقدار زیادی اصوات گوناگون (به قول بعضی از دوستان ما که می گفتند آهنگ های کارگاهی گوش میدید!!!) از هر چیز گوش خراشی که به ذهنتان برسد (البته به نظر من مانسن فقط تو ماشین حال می ده اونم با گوشی گوش بدی) با چاشنی مقادیر زیادی جیغ که اینگونه راه خود را از سایر گروه های متال جدا کرده ترانه های مانسن در آلبوم حیوانات صنعتی نه اشرف مخلوقات دارای مفاهیم فکری نو معترضی هستند که بیشتر درباره وجود انسان و رابطه الهی انسان و خدا می پردازد و زندگی مادی را نفی می کند))

یادم هست در یکی از وبلاگ ها در مورد مرلین خواندم که در یکی از مصاحبه هایش گفته بود که دلیل اینکه من این گونه لباس می پوشم و گریم می کنم تنها نشان دادن باطن پلید انسان ها به ان هاست من اینگونه باطنی را که در زیر لباس های زیبایشان پنهان کرده اند به آنها یادآوری میکنم

چرا کریم منسون اینگونه است؟؟؟؟



آیا غیر از این است که در دنیایی دیگر که ما قادر به دیدن آن نیستیم بر اثر هر گناه صورت ما کریه تر می شود ؟ اینچنین صورتی برای منسن نیز بعلت گناهان ناخواسته ایست که انسان مرتکب گردیده . البته باید قبول کنیم که اگر کسی می خواهد حرفش را بزند و صدایش را به گوش همه برساند باید برای شهرت نیز تلاش کند . بعضی ها برای اینکه انسان های بی حوصله امروزی را تا آخر شو پای تلویزیون بنشانند از رقاصه ها یا زیبایی خود یا چیزهای دیگر استفاده می کنند و ترفند منسن هم چیزاست که می بینید ضمن اینکه آرایش صورت منسن در هر شو کاملا وابسته به مضمون آهنگ است و احساس آهنگ را در همان ابتدا و بدون نیاز به دقت حتی به شنوندگان غیر حرفه ای میرساند . که البته باید به تقلید گروههای دیگر از او نیز اشاره کرد (مانند Slipknot که این امر به خودی خود نشان دهنده موفقیت مرلین در هدفش است).

ترجمه برخی اهنگ های منسون

سرود مرگ

ما روی گلوله ای هستیم
و ما مستقیم به سوی خدا نشانه رفته ایم
او هم می خواهد که تمامش کند
ما قرصی خوردیم ، چهره ای ساختیم ، بلیطهایمان را خریدیم
و ما امیدواریم که بهشت حقیقت داشته باشد
من دیروز در تلویزیون پلیسی را دیدم که کشیشی را میزد
آنها هم می دانستند که قهرمان ما را کشتند
ما سرود مرگ را می خوانیم
چون ما هیچ آینده ای نداریم
و ما فقط می خواهیم مثل تو باشیم
ما شمع را روی زمین روشن کردیم
و آنرا تبدیل به جهنم کردیم
و اینطور وانمود کردیم که در بهشت هستیم
ما دعاهايمان را روی یک بمب نوشتیم
و بوسه ای بر رویش زدیم
و به خدا فرستادیم
ما دنیا بودیم
اما هیچ آینده ای نداریم
و ما فقط می خواهیم
مثل تو باشیم

مردم زیبا

من تو را نمیخواهم و به تو احتیاجی ندارم
سعی نکن مقاومت کنی و گرنه تو را هم از سر راهم بر می دارم
تقصیر تو نیست که همیشه بهت بی احترامی می شه
افراد ضعیف برای تصدیق افراد قوی به وجود آمده اند
مردم عالی ، مردم عالی
همه چیز به اندازه قدرتت بستگی دارد
درختا نمی گذارن جنگلو بیینی
تو نمی تونی بوی کثافت خودتو بفهمی
وقتی برای جدا کردن مردم نیست
از هر آدم آشغالی که جلوی راهته ، نفرت داشته باش
هی تو چی میبینی ؟
بعضی چیزها عالی ، بعضی چیزها مفت
هی تو آیا سعی می کنی که بد جنس باشی ؟
دوست من تو وقتی با میمونها زندگی می کنی پاک موندنت سخته
کرمها در هر سوراخی زندگی می کنند
معلوم نیست کدامیکی بیشتر می خورد
مردم زشت مردم زشت
این هم به اندازه قدرتت بستگی دارد
کاپیتالیزم جامعه را اینگونه ساخته
عقاید قدیمی فاشیستی آن را به دورها خواهد برد

از موسیقی تا جادو؛ شیطان پرستی در ایران (۳)



شیطان پرستی در ایران موضوعی است که به ویژه در سالهای اخیر سخنان بسیاری درباره آن مطرح شده و اخبار زیادی از دستگیری طرفداران آن انتشار یافته است اما واقعیت چیست؟، آیا ما شیطان پرستی داریم؟

لباس و زیورآلات

لباس های گروه های متال یا گروه های شیطانی دارای لوگوی گروه های موسیقی متال یا نشانه های معروف فرقه های شیطانی مانند پنتاگرام، صلیب برعکس، ۶۶۶ و... می باشد.

این لباس ها از خارج از کشور، مثلاً از دبی یا ترکیه وارد ایران شده و توسط تعداد خاصی فروشنده لباس که کار اصلی آنها فروش این لباس ها می باشد، به فروش می رسد.

فروش این لباس ها با توجه به این که محدودیت های زیادی برای دسترسی به آنها در داخل وجود دارد، برای فروشندگان سودآور می باشد. لباس گروه های شیطانی معمولاً به رنگ سیاه بوده و به صورت تی شرت و شلوار تنگ و چسبان می باشد.

کفش پسران به صورت پوتین و دختران به صورت چکمه های چرمی با ساق های بلند است. کفش های غیرپوتین نیز به صورت یک لنگه قفل و یک لنگه کلید نیز است.

در بین آرایش‌ها معمولا آرایش و میکاپ به شکل تیپ جنس مخالف دیده می‌شود، مثلا در مورد مو، پسران مانند دختران و دختران مانند پسران آرایش می‌کنند.

زیورآلات

زیورآلات مورد استفاده جوانان علاقه‌مند به صورت انگشتر تک‌بند یا تمام بند، انگشترهای اسکلتي، گردنبند، لب‌گیر، دستبند یا مچ‌بندهای چرمی، دستبندهای تیغ‌دار، لنزهای چشمی شیطانی، گوشواره و... است.

این انگشترها معمولا دارای جنس نقره و به شکل علائم شیطانی یا علائم و لوگوی گروه‌های شیطانی و یا علائم اسکلتي و وحشتناک می‌باشد که معمولا به شکل الهه‌های شیطانی هستند.

این زیورآلات عمدتا توسط فروشندگان اجناس نقره در کشور به فروش می‌رسند و معمولا مغازه‌های خاصی اقدام به فروش آنها می‌کنند.

لازم به ذکر است که بیشتر فروشندگان با آگاهی قبلی اقدام به فروش این لباس‌ها یا علائم می‌کنند و تنها عده کمی از آن آگاهی ندارند، چرا که به مرور زمان فروشندگان در تماس با خریداران، آنها و گرایشاتشان را خواهند شناخت.

عده‌ای از این فروشندگان گاه حتی از مشتریان خود سفارش ساخت علائم خاص یا خرید لباس با فرم‌های خاص را نیز دریافت می‌کنند. البته تعدادی مغازه خیاطی نیز وجود دارند که با دستگاه‌های کامپیوتری خود علائم و نشانه‌ها یا کلمات و لوگوهای خاص را روی لباس مشتریان می‌دوزند.

آرایشگاه‌ها

در خارج از ایران و در کشورهای غربی، کلپ‌های خاصی هستند که اقدام به میکاپ و آرایش‌های شیطانی می‌کنند. گاه این آرایش‌ها ساعت‌ها طول می‌کشد. کارشناسان در بررسی این تیپ‌ها و مدل‌ها به آنها زیبایی‌شناسی شیطانی می‌گویند که منظور آرایش به صورت هر چه زشت‌تر شدن می‌باشد.

در ایران در حال حاضر تعدادی آرایشگاه‌های زیرزمینی در این زمینه فعال هستند. مدل موی شیطانی در ایران فعلا به صورت موی خیلی بلند یا بدون مو (طاس) است. عده‌ای از جوانان علائم شیطانی را روی سر خود به صورت منفی و مثبت درمی‌آورند. در تیپ‌های شیطانی مدل مو، لباس، کفش و زیورآلات حتما باید با هم هماهنگ باشند، مثلا در مورد لباس، اگر لباس به جای تنگ بودن گشاد باشد از تیپ متال وارد تیپ رپ می‌شویم.

در حال حاضر عده قابل توجهی از جوانان از مدل‌های شیطانی مانند موهاک، قارچی، طاووسی و... استفاده می‌کنند ولی چنانچه آنها از نظر لباس نیز تیپ‌های شیطانی نداشته باشند، نمی‌شود به آنها شیطان‌پرست اطلاق کرد، چرا که در حال حاضر عده‌ای از جوانان که ممکن است اصلا گرایش‌های شیطانی نداشته باشند از این مدل موها جهت جلب توجه و... استفاده می‌کنند.

محصولات صوتی و تصویری شیطانی

همان‌طور که قبلا هم به آن اشاره شد آنچه بیش از همه یک شیطان‌پرست یا متال‌باز را در بین همگروهان خود قدرتمند می‌سازد، میزان آرشیو سی‌دها یا دی‌وی‌دی‌های صوتی و تصویری اوست. معمولا متال‌بازها خساست بسیاری در دادن مجموعه‌های موسیقایی یا مستندات شیطانی خود به یکدیگر دارند، مخصوصا اگر آن کلیپ یا برنامه، کمیاب نیز باشد. این محصولات یا از طریق ماهواره، یا از طریق کشورهای همسایه، یا از طریق دانلودهای اینترنتی به دست علاقه‌مندان می‌رسد.

تعدادی از این سی‌دی‌ها به صورت آزاد در فروشگاه‌های سطح کشور به فروش می‌رسند و تعدادی از آنها که دارای جنبه‌های منفی‌تری هستند، به صورت دست به دست یا از طریق فروشندگان خانگی به فروش می‌رسند.

در بین این محصولات معمولا سی‌دی‌هایی از تصاویر مستند جنایات دیکتاتورهای بزرگی مانند هیتلر یا صدام حسین نیز به چشم می‌خورد یا در این فیلم‌ها تصاویر چندی‌آور قربانیان حوادث و سانحه‌های مرگباری که خشونت در آنها موج می‌زند مانند صحنه‌هایی از کشتار و شکنجه‌ها یا اعدام‌های جنگی، یا تجاوزهای خشن، آزار حیوانات و... به وفور یافت می‌شود.

هالیوود و شیطان‌پرستی

در تاریخ سینما فیلم‌های متعددی در مورد شیطان‌پرستی، گروه‌های ضدزن، خون‌آشام‌ها، مرده‌خوارها و... ساخته شده است. برای بعضی همیشه این معما بوده است که آیا اول چنین گروه‌های شیطانی وجود داشته‌اند و بعد از روی آنها فیلم ساخته شده است یا اول چنین فیلم‌هایی ساخته شده است و بعدا چنین گروه‌هایی به وجود آمده‌اند. از فیلم‌های مطرح کار شده در گذشته می‌توان به دروازه نهم، بچه رزماری و دراکولای برام استوکرز یا از مدل‌های قدیمی‌تر آن به نمایشنامه‌های فاوست، دکتر فاستوس و... اشاره کرد.

در حال حاضر در هالیوود فیلم‌های شیطانی متعددی ساخته می‌شوند که موضوع عمده آنها سکس و خشونت است. در این فیلم، شکنجه، تجاوز، سنگدلی و بی‌رحمی موج می‌زند. در کنار آن فیلم‌هایی با موضوع مرده‌خواری، خونخواری و... ساخته می‌شوند که مخاطب اصلی آنها علاقه‌مندان به موسیقی متال و گروه‌های شیطانی هستند.

برای مثال می‌توان به فیلم هشت میلیمتری فیلم‌های اره اشاره کرد که موضوع اصلی آنها خشونت و تجاوز است. ادامه ساخت این فیلم‌ها گاه به شماره‌های ۴ و ۵ می‌رسند. برای مثال به طالع نحس ۳ یا اره ۵ می‌توان اشاره کرد.

آنتوان لوی قبلا در فیلم بچه رزماری بازی کرده بوده و در دهه اخیر نیز فیلم مستندی با عنوان شیطان سخن می‌گوید از او ساخته شده است.

در حال حاضر بسیاری از گروه‌های شیطانی درباره گروه خود فیلم سینمایی ساخته‌اند و بسیاری از کارگردانان با امکانات زیاد در خدمت آنها برای ساخت کلیپ‌های پرخرج شیطانی هستند. گاه ساخت یک کلیپ چند دقیقه‌ای با قیمت ساخت یک فیلم سینمایی تمام می‌شود.

برای مثال می‌توان به کلیپ‌های مرلین منسون اشاره کرد که در نهایت ظرافت‌های برنامه‌سازی و کارگردانی ساخته شده‌اند. در حال حاضر بسیاری از گروه‌های شیطانی، آهنگساز فیلم‌های مطرح جهانی هستند. برای نمونه می‌توان به فیلم ماتریکس یا بزرگراه گمشده اشاره کرد که آهنگسازی آن توسط مرلین منسون کار شده است.

در حال حاضر موسیقی‌سکانس‌ها یا فیلم‌های ترسناک و دلهره‌آور عموم فیلم‌ها توسط شیطان‌پرستان ساخته می‌شود. در داخل کشور خودمان ایران هم موسیقی

سریال‌هایی با موضوعات شیطانی توسط آهنگسازان موسیقی متال کار می‌شود و در داخل سریال‌هایی کار شده‌اند که مانند برنامه‌ها و فیلم‌های غربی در ترویج شیطان‌گرایی موثر بوده‌اند.

در اروپا نوعی تفکر از طریق این فیلم‌ها به مردم تزریق شده است که ترویج شیطان‌گرایی پرخطر است. آن تفکر به این صورت است که شیطان در جهت دخالت در امور روحی و مادی دارای قدرت‌های زیادی است. مثلاً قادر است در جسمی حلول یا تناسخ داشته باشد یا این که می‌تواند اجسام را به حرکت درآورده و در زندگی عادی مردم دخالت کند. طبق احکام اسلامی شیطان فقط توانایی وسوسه کردن انسان را دارد و بس.

اما در برخی فیلم‌ها که در چند سال گذشته پخش شده‌اند به نوعی این تفکر غلط را به مخاطب القاء کرده‌اند که شیطان قادر به دخالت یا تغییر در امور مادی است.

در فیلم‌های غربی این نگرش که تا حدودی با تفکر مسیحی نیز همخوانی دارد به تماشاگر القاء می‌شود و این خود زمینه‌ساز گرایش به شیطان‌جهت در امان بودن از او یا کسب قدرت از او است.

از نمونه فیلم‌های غربی در این زمینه می‌توان به فیلم «کنستانتین» یا فیلم «جن‌گیر» اشاره کرد که هر دو از تلویزیون یا آنونس‌های متعدد پخش شده‌اند.

پراکندگی جغرافیایی گروه‌های شیطانی

علاقه‌مندان به موسیقی بلک متال یا گروه‌های شیطان‌پرست عموماً در مناطق یا استان‌هایی از کشور بیشتر از جاهای دیگر تمرکز جمعیتی دارند، حتی این مساله درباره پاتوق‌ها نیز صادق است.

این گروه‌ها در بین ارامنه و مسیحیان در قیاس با ادیان دیگر در ایران از جمعیت قابل توجهی برخوردار هستند.

در این مناطق گروه‌های ضدمسیحی که خود را با نام آنتی کریست معرفی می‌کنند، دیده می‌شوند. این گروه‌ها در مناطقی که سکونت دارند بر جوانان دیگر

تأثیر گذار هستند. به شکلی که در مجاورت آنها عده‌ای از جوانان ادیان دیگر نیز خود را آنتی کریست یا ضد مسیح معرفی کرده و با آنها همفکر می‌شوند.

در داخل کشور و حتی در دنیا می‌توان گفت که گروه‌های ضد زرتشتی یا ضد یهودی وجود ندارند. البته در دنیا گروه‌های ضد اسلامی نیز وجود دارند که نسبت به گروه‌های ضد مسیحی بسیار کم تعداد هستند.

هدف از بیان این مطلب این است که شیطان پرستان و کلا سایر گروه‌های منحرف در کشور دارای پاتوق‌های خاص و ویژه‌ای هستند که این نکته خود بیانگر انتقالی بودن گرایش به این جریانات است، به شکلی که جوانان آن را با همنشینی و مجاورت با دوستان و همسالان خود به یکدیگر انتقال می‌دهند و معمولا در بین این جوانان گرایش ذاتی یا استعدادی برای جذب به این گروه‌ها وجود ندارد.

اقدامات و مراسم گروه‌های شیطان پرست در داخل کشور

در بین این گروه‌ها رفتارهای عمومی مختلفی شایع هستند، بعضی از این رفتارها حالت فردی، بعضی حالت جمعی و بعضی از آنها مشخص نیستند که به صورت فردی یا جمعی انجام می‌شوند.

عموم رفتارها در ابتدا از جدیتی برخوردار نبوده و به خاطر جلب توجه صورت می‌گیرند ولی در ادامه با استمرار و تکرار، حالتی جدی به خود می‌گیرند و خطرناک می‌شوند.

بعضی از رفتارها در علاقه‌مندان در حالت باور و اعتقاد وجود داشته و کمتر عملی می‌شوند و معمولا در حالت شایعه قرار دارند و حتی ما نمی‌دانیم که آیا این رفتار توسط آنها به انجام رسیده یا نه و اگر انجام شده چند بار بوده و چقدر شیوع داشته است.

چیزی که مسلم است این است که این رفتارها در بیشتر این جوانان مشترک است و همه از این رفتارها صحبت به میان می‌آورند. معمولا شایعات مشترک هستند و عده زیادی ادعا دارند که این رفتارها را از خود بروز داده‌اند یا از دیگران دیده‌اند.

به طور کلی اقدامات و رفتارهای زیر در بین شیطان گرایان عمومیت دارد:

۱ - بی‌اعتقادی به خدا، دین، آخرت، پیامبران و ...

۲ - اهانت به کتب مقدس و مخصوصا کتاب انجیل که معمولا آن را یا پاره می‌کنند یا می‌سوزانند و ...

۳ - اهانت به علامت‌ها یا اشیاء یا اماکن مقدسه، مثلا برعکس کردن صلیب حضرت مسیح یا اهانت به قبله‌گاه مسلمین یا نوشتن جملاتی روی کلیساها و ...

۴ - اغفال دختران با اقدام به آزار و اذیت و رابطه جنسی همراه با خشونت با آنها به خاطر عقاید ضد زنی و ابرمردی.

عده زیادی از این گروه‌ها با خشم زیاد اعلام می‌کنند که از زن‌ها متنفرند و هیچ رابطه‌ای با آنها بجز خشونت یا تجاوز نمی‌توانند داشته باشند. عده‌ای از آنها معتقد هستند که زنان موجوداتی پست و ضعیف هستند که فقط جهت ارضای غرایز مردان آفریده شده‌اند و نباید بیش از این به آنها بها داد.

در موسیقی بلک متال گروه‌های زیادی وجود دارند که بر ضد زنان شعر می‌سرایند یا آهنگ یا کلیپ می‌سازند. در این کلیپ‌ها به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به زنان توهین شده و آنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

به خاطر همین تفکرات در این موسیقی است که در غرب هر جا دختر یا زنی مفقود می‌شود یا مورد تجاوز یا قتل قرار می‌گیرد ابتدا شیطان‌پرستان و متال‌بازها را مقصر می‌دانند.

در غرب شایع است که شیطان‌پرستان جهت انجام مراسم خود باید دختران باکره یا زنان را قربانی کرده یا در راه شیطان به آنها تجاوز کرده، آنها را باردار سازند.

جالب آنجاست که بعضی از خوانندگانی که در کلیپ‌های خود به آزار و اذیت زنان می‌پردازند خود در انگشتان حلقه ازدواج دارند یا در پشت صحنه کارهایشان می‌بینیم که نامزد یا همسر دارند.

عده‌ای از شیطان‌پرستان از این که مردم مسائلی مانند قتل و جنایت‌های خشن و وحشتناک را به آنها نسبت می‌دهند ناراحت هستند و آنها را شایعه می‌دانند ولی عده‌ای از آنها، آن را پذیرفته و اعتراف و اقرار به انجام چنین کارهایی می‌کنند.

بعضی از این قتل‌ها و جنایات فقط متوجه زنان و کودکان نیستند. بلکه در بین اقشار دیگر جامعه نیز دیده می‌شوند. برای مثال به نمونه‌هایی از آنها که توسط یک مستند به نام «زنگ‌های دوزخ» گزارش شده‌اند، توجه کنید.

تامی سالی‌وان در سال ۱۹۸۸ در نیوجرسی در حالی که فقط ۱۶ سال داشت به طرز وحشتناکی مادر خود را با چاقوی پیش‌آهنگی‌اش میکشد. او دو دست مادرش را قطع و صورتش را از جمجمه جدا کرده، پس از این کار به طرز وحشیانه‌ای رگ و دست خودش را می‌برد، به شکلی که دستش از بدن جدا می‌شوند.

طبق گزارش‌های پلیس او به موسیقی متال و جادوگری علاقه‌مند بوده است.

در ۱۲ آوریل ۱۹۸۵ یک پسر ۱۴ ساله طرفدار گروه آیرن میدن سه نفر را کشت. او علامت ۶۶۶ را بر سینه خود خالکوبی کرده بود.

یا مثلاً شخصی به نام ریچارد رامسیس جنایتکار بدنام کالیفرنایی که عده زیادی را با کارد به قتل رسانده و تحت تأثیر گروهی به نام AC/DC بوده است. او علامت پنتاگرام که یک نشانه شیطانی است روی بدن قربانیان یا دیوار خانه آنها می‌کشیده است.

نمونه دیگر، موردی است که در فیلم مستند مایکل مور «بولینگ برای کلمباین» شاهد تصاویری از آن بوده‌ایم. در این فیلم دو جوان دبیرستانی که ۱۶ و ۱۷ ساله به نظر می‌رسند از کمپانی‌های اسلحه‌سازی آمریکا چند عدد اسلحه سنگین مسلسل، نارنجک و ... خریداری می‌کنند و روز بعد در مدرسه با این سلاح‌ها ۱۲ تن از همکلاسی‌های خود را به قتل رسانده و عده زیادی را نیز مجروح می‌سازند. بعد از این جنایت، اقدام به خودکشی می‌کنند.

کنود خبرنگار، محقق و گزارشگر برنامه تلویزیونی در مستند زنگ‌های دوزخ چنین می‌گوید:

«چرا ما میلیاردها دلار صرف تبلیغات می‌کنیم، چون مردم به تبلیغات پاسخ می‌دهند. این موسیقی هم نوعی تبلیغاته و من بچه‌هایی را دیدم که به این تبلیغات پاسخ دادند، من آنها را روی سکوی سردخانه دیده‌ام.»

در ایران ما نمی‌دانیم که چه تعدادی از قتل‌های وحشیانه و مرموز که به صورت کشف‌نشده باقی مانده‌اند به دست شیطان‌پرستان صورت گرفته یا می‌گیرند. البته عموماً تصور می‌شود که آنها فقط ادعای انجام چنین کارهایی را دارند و هرگز توانایی انجام آن را ندارند.

۵- کشتن و آزار حیواناتی مانند سگ، گوسفند و گربه به صورت دار زدن، سر بریدن، سوزاندن و ...

این مساله به کرات در بین جوانان شیطان‌گرا اتفاق افتاده و خود به آن اقرار کرده‌اند. این اتفاق در بسیاری از کلیپ‌ها و حتی لایوهای زنده متال رخ داده است مانند منفجر کردن یک حیوان با دینامیت یا له کردن جوجه‌ها با کفش‌های آهنین و ...

۶- برگزاری مراسم خودزنی و بعد از آن خوردن خون خود یا دیگری خودزنی

بین جوانان علاقه‌مند به موسیقی متال از رواج بالایی برخوردار است. این خودزنی‌ها به شکل‌های مختلف در بین پسران و دختران دیده می‌شود. خودزنی در گذشته یکی از مراسم خاص شیطان‌پرستی بوده است که با آن شیطان‌پرستان سعی کرده‌اند توجه شیطان را به خود جلب کنند.

خوانندگان و گروه‌های زیادی در موسیقی وجود دارند که اقدام به خودزنی می‌کنند. ستارگان موسیقی متال مانند «سیدو شیز» یا «آلیس کوپر» ستاره هوی‌متال‌راک مرتکب آن شده‌اند یا حتی ایگی پاپ یکی از خوانندگان پانک که شیشه شکسته آبجو را روی صحنه روی پوست سینه‌اش می‌کشد. این خودزنی‌ها گاه به حالت خودکشی نیز نزدیک می‌شود. حتی شایعاتی در مورد بعضی از گروه‌هایی که اقدام به قطع اندام بدن خود کرده‌اند شنیده می‌شود و حتی عکس‌هایی در اینترنت درباره آنها وجود دارد.

خونخواری نیز در بین علاقه‌مندان رواج دارد ولی به نسبت کمتر از خودزنی‌هاست. خونخواری در بین علاقه‌مندان شیطان‌پرستی در ایران یا در بین خوانندگان در خارج اصلاً شایعه نبوده و واقعیت دارد.

خونخواری یکی از مراسم خاص شیطان‌پرستان است که در آن خود خون یا خون را همراه با شراب می‌نوشند. این مراسم را شیطان‌پرستان به خاطر تمسخر مراسم شام

آخر حضرت مسیح انجام می‌دهند که ایشان (مسیح) به قول مسیحیان در آن مراسم فرموده‌اند: از این شراب بنوشید که همانا خون مناست. البته لازم به ذکر است که خودزنی در بین بعضی جوانان درغیر از گروه‌های شیطان پرست نیز رواج دارد. خودزنی در بین بیماران روانی، زندانیان یا جوانانی که می‌خواهند شجاعت و جسارت خود را به بقیه نشان دهند هم دیده می‌شود.

گاهی اوقات خودزنی در بین علاقه‌مندان متال بعد از مصرف مشروبات الکلی یا مصرف مواد مخدر یا مواد روان‌گردان اتفاق می‌افتد که عده‌ای از آنها این عمل را بعد از مصرف، مرسوم قلمداد می‌کنند. عده‌ای از جوانان علاقه‌مند به موسیقی متال علت خودزنی را جدای از جلب توجه، به افسردگی و مشکلات روحی نیز نسبت می‌دهند.

مصرف مواد مخدر

در موسیقی متال که در آن عموماً به مسائل ماوراءالطبیعه پرداخته می‌شود هیچ چیز به اندازه مواد مخدر رواج ندارد. البته یکی از توجیهات آنها برای مصرف مواد، نیرو گرفتن از مواد برای خلق آهنگ یا سرودن اشعار ماورایی است.

مصرف مواد در بین علاقه‌مندان از همان ابتدای ورود موسیقی شروع می‌شود و عده کمی از جوانان هستند که علی‌رغم ورود به این موسیقی درگیر اعتیاد نشده‌اند.

بسیاری از ستارگان راک، جان خود را بر سر مصرف مواد از دست داده‌اند، عده‌ای از آنها که از بزرگ‌ترین خوانندگان یا نوازندگان موسیقی راک هستند بر اثر مصرف زیاد فوت کرده‌اند. افرادی همچون جیمیه ندرمیکس، جیمی شاپلینف، کیت مون، جام بانا، باب مارلی و ...

کارشناسان معتقد هستند که یکی از دلایل شیوع مصرف مواد مخدر در بین خوانندگان راک و متال این است که چون پخش‌کنندگان مواد مخدر در دنیا هیچ رسانه‌ای برای تبلیغ مواد خود ندارند این مواد را به صورت رایگان و به مقدار بسیار در اختیار خوانندگان و نوازندگان متال قرار می‌دهند تا آنها با مصرف آن، آن را بین جوانان رواج دهند.

عموماً تماشاگران برای نشان دادن محبت خود به خواننده در هنگام اجرا یا بعد از آن به او مواد مخدر هدیه می‌دهند تا به این صورت علاقه خود را به او نشان دهند.

در حال حاضر جوانان در ایران در کنار مصرف مواد مخدر گیاهی، از داروها و مواد مخدر شیمیایی خاصی مصرف می‌کنند.

برای نمونه آنها داروهای خواب‌آور یا آرام‌بخشی مانند ترامادول، دیازپام، کلرازپام، اگزوزپام، بی‌پری می‌دین یا... را به تعداد بالا گاه به اندازه یک برگ قرص مصرف می‌کنند و به نشنگی‌های ۲۴ ساعته یا چند روزه می‌روند. داروخانه‌ها عموماً باید با نسخه پزشک این داروها را در اختیار آنها قرار بدهند ولی متأسفانه این طور نبوده و آنها به صورت آزاد این داروها را به مشتریان می‌فروشند. مصرف این داروها آن هم با تعداد بالا در حد یک برگ یا ۲ برگ آثار ویران‌کننده‌ای بر تن یا جسم آدمی دارند.

تخریب اموال عمومی

علاقه‌مندان به این موسیقی‌ها به خاطر افکار و عقاید آنارشیستی گاه اقدام به تخریب و غارت اموال عمومی از جمله بانه‌های تلغن، عابر بانک‌ها و... می‌کنند.

کلام آخر

حاصل کلام این که تلاش سپاهیان شیطان در امر تهاجم فرهنگی، تلاش دوباره و چند باره آنها پس از شکست‌های نظامی و اقتصادی است.

قدرت‌های مستکبر دنیای زر و زور در طول تاریخ بشریت راه‌های بسیاری را برای از بین بردن قدرت معنویت و دین امتحان کردند تا بتوانند دنیای مطلوب خود را بسازند، دنیایی بدون دین و تهی از اعتقادات تا اهداف سیاسی و اقتصادی آنها بیش از پیش تامین شود. آنجا که انواع بمب‌های شیمیایی و تحریم‌های اقتصادی و ترورهای فردی و جمعی نمی‌تواند وحدت ملی و اسلامی جوانان ایرانی را درهم شکنند، شاید ایجاد گروه‌های تخریری بتواند آنها را پراکنده کند و جامعه اسلامی را به ورطه فنا و نابودی بکشاند. بدون شک حفاظت و حراست مسوولان از مرزهای فرهنگی باز هم مثل گذشته خواب شیرین سلطه مستکبرین را آشفته خواهد کرد.

علیرضا شریفی - زمستان ۱۳۹۰

عکسهایی از شیطان پرستان

